



صفات سید

سید علی اکبر صداقت



سرشناسه: صداقت، سید علی اکبر.

عنوان و پدیدآورنده: صفات شیعیان

مشخصات نشر: قم، سرای کتاب ۱۳۹۹

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست نویسی: فیپا.

موضوع: امام دوازدهم شیعیان

موضوع: اخلاق شیعی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ و ۴ ص/۴/۴ BP۲۲۴

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

انتشارات سرای کتاب

۰۹۱۰۷۷۱۷۱۸۷

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: صفات منتظران

تحقیق و تألیف: سید علی اکبر صداقت

ناشر: سرای کتاب

تیراژ: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

سال نشر: ۱۳۹۹

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

۵- پیشی گرفتن به بهشت: ۱۶

ت..... ۱۷

۱- ترک حسادت: ۱۷

۲- تقوا: ۱۹

۳- توأب بودن: ۲۰

۴- سیراب کردن تشنگان: ۲۱

ج..... ۲۱

۱- جویا شدن حال غائبین: ۲۱

۲- جهاد در راه امام: ۲۲

ح..... ۲۳

۱- ادای حقوق برادران: ۲۳

۲- گفتن حق: ۲۴

۳- حبّ پدر و مادر: ۲۴

خ..... ۲۵

۱- خوش نیتی: ۲۵

۲- خوش گمانی: ۲۵

۳- خوش خوبی: ۲۶

۴- خوش رفتاری: ۲۶

۵- خالص شدن: ۲۷

۶- خاموشی: ۲۷

۷- خیرخواهی: ۲۷

۸- خیر رساندن: ۲۸

۹- خدا شناسی: ۲۹

۱۰- فرو بردن خشم: ۳۰

فهرست

فهرست ۳

مقدمه ۶

الف..... ۸

۱- ادب ورزی: ۸

۲- انصاف: ۸

۳- آسان گیری: ۹

۴- انس با حضرت: ۹

۵- ایمن بودن: ۱۰

۶- در حال ازدیاد ایمان: ۱۰

۷- امر به معروف: ۱۰

ب..... ۱۱

۱- بخشنده‌گی: ۱۱

۲- بیزاری از بدی: ۱۲

۳- بی رغبتی به داشته های مردم: ۱۲

۴- انتخاب برادران: ۱۲

۵- برادری با مؤمنان: ۱۳

پ..... ۱۴

۱- پیروی از نصیحت گر: ۱۴

۲- پیروی از اهل بیت: ۱۵

۳- پاکي: ۱۵

۴- پاکیزگی: ۱۵

س ۴۶

- ۱- آشکارگی در سلام: ۴۶
 ۲- پاسخ سلام: ۴۷

ش ۴۸

- ۱- شب خیزی: ۴۸
 ۲- دوری از شیطان: ۴۸

ص ۵۰

- ۱- صلہ رحم: ۵۰

ع ۵۱

- ۱- عزم راسخ: ۵۱

غ ۵۲

- ۱- غیرت: ۵۲

ف ۵۲

- ۱- فروتنی: ۵۲
 ۲- فراموشی بدی ها: ۵۳

ق ۵۴

- ۱- خواندن قرآن با توجه: ۵۴
 ۲- قبول شدن در آزمایش ها: ۵۵

ک ۵۵

- ۱- کرم ورزی: ۵۵
 ۲- کاردانی: ۵۶
 ۳- کمک کاری: ۵۷

۱۱- از خود گذشتگی: ۳۰

۱۲- خستگی برای حضرت: ۳۱

۱۳- طلب خیر دنیا و آخرت: ۳۲

د ۳۲

۱- دوستی اهل بیت: ۳۲

۲- با دل کار کردن: ۳۳

۳- دید و بازدید: ۳۳

۴- دست دادن: ۳۴

۵- اعلام دوستی: ۳۴

۶- حفظ دوستی کهن: ۳۵

۷- دوستی با مؤمنان: ۳۵

۸- دوستی با عالمان: ۳۶

۹- دوستی عاقلان: ۳۶

۱۰- دوستی با نیکان: ۳۶

۱۱- دوستی با فقیران: ۳۸

۱۲- دوستی با فرزند: ۳۸

۱۳- دوستی با همسر: ۳۹

۱۴- دعا در غیاب دوستان: ۴۰

۱۵- دل گواه دادن: ۴۰

۱۶- بی علاقگی به دنیا: ۴۱

۱۷- دشمنی در راه امام: ۴۱

۱۸- دوستی در راه امام: ۴۲

ر ۴۳

۱- راستگویی: ۴۳

۲- رفتار بر اساس حق: ۴۴

۳- راهنما به سوی خیر: ۴۵

۴- راغب بودن: ۴۵

۵- یکرنگی: ۴۶

صفات منتظران..... ۵

۶۸-۲- حفظ نماز: ۶۸

۶۹-۴- نیک خواهی: ۶۹

۶۹-۵- برآوردن نیاز دیگران: ۶۹

۶۹-۶- به نیکی دیگران را یاد کردن: ۶۹

و..... ۷۰

۷۰-۱- وفاداری: ۷۰

ه..... ۷۱

۷۱-۱- هدیه دادن: ۷۱

۷۲-۲- همسایه داری: ۷۲

۷۳-۳- همدردی در خوشی و ناخوشی: ۷۳

۷۴-۴- هدیه کردن عیب ها: ۷۴

ی..... ۷۴

۷۴-۱- یاری خواستن از امام: ۷۴

۷۵-۲- یاد آوران خداوند: ۷۵

۷۵-۳- یاد محبوب: ۷۵

۷۶-۴- یاد حق: ۷۶

۷۷-۵- یاری دادخواهان: ۷۷

۵۷-۴- کارهای والا: ۵۷

ک..... ۵۸

۵۸-۱- گشاده رویی: ۵۸

۵۹-۲- گذشت کردن از لغزش ها: ۵۹

ل..... ۶۰

۶۰-۱- طلب لقاء امام: ۶۰

م..... ۶۲

۶۲-۱- مدارا: ۶۲

۶۲-۲- امام را محبوب کردن: ۶۲

۶۳-۳- نهی از منکر: ۶۳

۶۴-۴- متمسک به رحمت: ۶۴

۶۴-۵- بر خود مقدم داشتن: ۶۴

۶۵-۶- ملایمت: ۶۵

۶۶-۷- میانجی گری: ۶۶

۶۷-۸- متمسک به برترین اعمال: ۶۷

ن..... ۶۷

۶۷-۱- نیایش گری: ۶۷

مقدمه

یکی از مسائل اساسی مطرح در فرهنگ شیعه غیبت آخرین امام و انتظار برای ظهور حضرت بقیه‌الله الاعظم (عج) می‌باشد. لذا می‌توان نام (مُنْتَظِر) را برای هر شیعه دوازده امامی برگزید و از آن سو نام امام مورد انتظار (مُنْتَظَر) می‌باشد.

بر شیعه مُنْتَظِر فرض است که همواره آماده ظهور امامش باشد و این آمادگی بدون کسب اسباب و لوازم آن امکان‌پذیر نمی‌شود، که از جمله آن موارد: خودسازی و کسب فضائل اخلاقی و معنوی و متخلّق شدن به اخلاق پسندیده و نیکو و ایجاد صفات ممتاز در شخص مُنْتَظِر می‌باشد. مُنْتَظِرِی که ادب می‌ورزد و انصاف دارد و آسان‌گیر است، می‌تواند انس با حضرت مُنْتَظَر پیدا کند.

تبدیل صفات بالقوه به بالفعل با تمرین و تربیت و پرورش انجام می‌گیرد، پس بخشندگی و کرم و بیزاری از بدی و بی‌رغبتی به داشته‌های مردم و ده‌ها نظیر این‌ها برآورنده یک مُنْتَظِر واقعی است.

پاکی و پاکیزگی دل و پیروی از فرامین حضرت محبوب (ع) و ملبس به لباس تقوا شدن، راهگشای سیر طریقتی است. مجاهده در راه امام، بی‌مراقبه حاصل نمی‌شود؛ پس خوش‌نیتی را سرمشق قرار دهد و با خوش‌رفتاری و خالص شدن و خیرخواهی گام بردارد، تا بتواند به سیر صعودی نائل شود. مُنْتَظِر چون خاموشی متعادل را شیوه خود قرار دهد،

در مواقع سخت، خشم خود را فرو برده و کم‌کم به خود گذشتگی رسد، آنگاه خستگی راه انتظار برای حضرتش بر او لذت‌بخش خواهد شد.

مُنْتَظِر باید با دل کار کند تا صفات پایدار بماند؛ اگر با مُنْتَظِرِ دیگری دوست می‌شود، اعلان دوستی کند تا جذب دوستی استوار بماند.

در راه دوستی هر کس را لایق دید به خاطر محبت امام مُنْتَظِر، دوستداری را پیشه خود کند و دشمنی با کسانی که امام را قبول ندارند و طعنه می‌زنند را با زبان و دل شیوه تبری خود قرار دهد. یکرنگی و راست‌گویی و رفتار بر اساس امام دوستی در طریقت مهدوی را پیاده کند. عزم راسخ و فروتنی را فراموش نکند. در شب‌خیزی کوشا باشد و بدی‌های دیگران را فراموش کند تا ذهنش صاف شود. کمک‌کار و کاردان باشد و به کارهای والا بپردازد و دیگران را به کارهایی وا دارد که برای امام مُنْتَظِر خالص باشد.

برای جذب قلوب به طرف امام ملایمت و میانجی‌گری و نیک‌خواهی داشته باشد و در برآوردن نیاز دیگران به اندازه قدرتش جدّ و جهد کند. در مسائل مهم خودش یاد امام محبوب کند تا دیگران آن را بیاموزند، چه آنکه یاد محبوب لذت‌بخش است.

امید است تذکّره‌های تحریر یافته، مقبول حضرت محبوب (ع) قرار گیرد و مشوّق منتظران در داشتن صفات مطلوب گردد.

سید علی اکبر صداقت

الف

۱- ادب ورزی:

از خصائص منتظران، ادب ورزی و حفظ حرمت میان خود و برادرانش می‌باشد که اگر چیزی از احترام بینشان باقی نماند، باعث از بین رفتن شرم و حیا و عدم دوام دوستی می‌گردد؛ و برترین ادب آن است که انسان حد خود را شناخته و از آن تجاوز نکند و این می‌شود که حسن ادب حتی قبح نسب را پوشانده و برای کسب آن از هم‌نشینی با دانشمندان و اولیاء الهی می‌توان بهره برد و بعد از کسب آن می‌توان دیگران را به طرز نیکو مؤدب نمود.

۲- انصاف:

از زیباترین صفات اخلاقی منتظران، انصاف به معنای عدالت‌ورزی و اجرای قسط و اقرار به حقوق مردم و ادای آن‌هاست و اینکه هر خیری را برای خود می‌خواهیم برای دیگران هم بخواهیم و هر زیان و ضرری که برای خود نمی‌پسندیم برای دیگران هم نپسندیم. برخی از مردم در مقام سخن یا ادای شهادت چنانچه منافع خود یا نزدیکان خود را در معرض خطر ببینند به‌سادگی حاضر نیستند حقیقت را بگویند؛ و از اینجا معلوم می‌شود که رعایت انصاف، کاری دشوار است.

انصاف دارای اقسامی است از جمله: انصاف در سخن، انصاف در عمل، انصاف در قضاوت می‌باشد.

۳- آسان‌گیری:

از دیگر خصائص منتظران، آسان‌گیری آنان در خرید، فروش و قضاوت می‌باشد؛ و با این شیوه، شخص محبوب خدا شده و اموراتش هم به راحتی حل می‌شود، و برعکس آن، افرادی هستند که سخت‌گیری‌های فراوان در امر معاملات و داوری‌ها و... دارند و همین باعث گره خوردن کارهایشان و سخت گذشتن امورات زندگی‌شان می‌گردد.

۴- انس با حضرت:

یکی از ویژگی‌های بارز منتظر آن است که بسیار ذکر و یاد حضرت می‌کند و این، لذت فراوانی برای دوستدارانش دارد؛ و این گونه نمی‌شود مگر آنکه امام باعث زدودن اغیار از دل محب شده و اجازه ذکر خود به آنان دهد، چرا که سر رشته همه دوستی‌های الهی به دست اوست و آن انس زیاد است که ابهت را کمتر کرده تا محب بتواند به او نزدیک‌تر شود و آن چنان انس چیره شود که محب در پی خلوت‌های بسیار چه در تنهایی و یا در جمع با امامش باشد؛ و از نشانه‌های شخص مأنوس آن است که به غیر ضرورت، از دیگران دوری می‌گزیند.

۵- ایمن بودن:

منتظران در راه خدا با دیگران که حتی میانشان پیوند خویشاوندی وجود ندارد دوستی برقرار می‌کنند و یکرنگ شده و بر اساس آن، گرد یکدیگر می‌آیند و از یکدیگر جدا می‌شوند و در جایگاهی قرار خواهند گرفت که حتی باعث رشک شهیدان و پیامبران می‌شوند و در سایه امن خدای متعال قرار می‌گیرند، که نه ترسی بر آنان مستولی شده و نه اندوهناک می‌شوند.

۶- در حال ازدیاد ایمان:

از کارهایی که منتظران در جهت ازدیاد ایمان انجام می‌دهند، که برترین و استوارترین دستاویز ایمان می‌باشد، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست. هر چند نماز، روزه، زکات، حج، عمره، جهاد و... برای خود فضیلتی دارند، ولی به پای برترین مرتبه دین و استوارترین دستاویزهای ایمان که دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا و دوستی کردن با دوستان خدا و بیزاری جستن از دشمنان خداست و نیز در راه خدا بخشیدن و یا در راه او نبخشیدن است، نمی‌رسد.

۷- امر به معروف:

از اموراتی که منتظران در جهت حفظ و اجرای احکام دین انجام می‌دهند امر به معروف دیگران است؛ زیرا اگر امر به معروف نباشد جهل و

نادانی و ضلالت و گمراهی در پی خواهد داشت و سهل‌انگاری در این امر تبعات بدی از جمله رخت بر بستن برکات زمینی و آسمانی از ما و گرفتار شدن به بلاها می‌گردد. اینکه امر به معروف واجب است در آن اختلافی نیست، فقط در بعضی موارد وجوب عینی است و در بعضی مواقع وجوب کفایی می‌باشد و نیز اگر احتمال عدم تأثیرگذاری در شخص و همچنین عدم قدرت بر انجام این عمل و یا مفسده و ضرر را برای خود یا مسلمین در پی دارد وجوبش ساقط می‌شود.

ب

۱- بخشندگی:

از صفاتی که اخلاق یک منتظر را زینت می‌بخشد صفت بخشندگی است، که آنان چه در تنگدستی و چه در وسعت رزق، پایبند به این امر مهم می‌باشند و از آنچه دوست می‌دارند به دیگران می‌بخشند و هرچند منتظر در جهت جلب رضای محبوبش این کار را می‌کند، ولی بخشیدن آثاری از جمله دفع بلا، جذب مضاعف نعمت، آمرزش گناهان، نجات از آتش، کاشته شدن بذر دوستی در دل‌ها، و حتی محبوب شدن در بین مخالفانش را همراه خواهد داشت. و از آنجا که مالک اصلی تمامی نعمات و اموالش را حضرت محبوب می‌داند، برایش بخشش و انفاق در خفا و آشکار کاری آسان شمرده می‌شود.

۲- بیزاری از بدی:

از عنایاتی که خدای متعال بر دل منتظران می کند آنکه بدی را در نظرش منفور می سازد و برعکس آنچه جنبه نیکی و دوستی دارد را برایش محبوب قرار می دهد.

۳- بی رغبتی به داشته های مردم:

از صفات منتظران آن است که در دوستی های خود خالص بوده و با بی رغبتی به آنچه در دست مردم است با آنان اظهار دوستی می کنند و این امر موجب محبوب شدن نزد مردم می شود و البته آنکه آنان به غیر از نداشتن طمع به داشته های دیگران، خود صاحب جود و بخشش بوده و از دارایی های خود به آن ها تفضل می کنند.

۴- انتخاب برادران:

منتظران واقعی کسانی اند که جزو بهترین برادران بوده در جهت یاری در انجام کارهای آخرتی و سوق دادن شخص به پیروی از خدا و نیز نیازمندی های افراد را خود برطرف کرده و خطاهایشان را فراموش می کنند؛ و صدق رفتار برادری او در هنگام سختی و همچنین در غیبت شخص و یا پس از مرگشان ثابت می شود و آن ها در دوستی بسیار سازگار و بینا کننده عیوب دیگران و نیز حافظ جان و بازدارنده از بدی ها و پذیرنده عذر و زداینده ترس و برآورنده آرزوهای دیگران هستند؛ و

حاضرند به خود زیان بزنند تا به برادرشان سودی برسد و چون ببینند مسئله‌ای برادرشان را از هم گسیخته است، خود را پراکنده خاطر کنند تا او را جمعیت خاطر ببخشند و هرگز قصد فریب او را ندارند و آنان افرادی اند که دنیا در نظرشان کوچک بوده و مغلوب شهوات نبوده و از برادرانشان غافل نمی‌گردند و در یک کلام دارای فضایل بیشمار و مجموعه‌ی زیبایی‌ها از صفات اخلاقی می‌باشند.

۵- برادری با مؤمنان:

منتظران با مؤمنان رابطه‌ی برادری دارند، چرا که در حقیقت مؤمنان با هم همچون برادران تنی هستند و خداوند آنان را از سرشت بهشت آفرید و در کالبدهایشان از نسیم بهشت دمید و گاهی پیش می‌آید که مؤمنی بی هیچ حادثه‌ی ناخوشایند یا دلیل و پیشامدی، چنان اندوهگین می‌شود که در چهره‌اش این مشاهده می‌شود و دلیلش آن است که چون به روح یکی از مؤمنین در سرزمینی اندوهی برسد، این یک نیز اندوهگین می‌شود، چون که هم‌سرشت او بوده و همچنین این خویشاوندی پیوستگی دارد. پس آنان چونان یک پیکر هستند که اگر عضوی به درد آید دیگر اعضا با بی‌خوابی و تب، با او هم‌صدا می‌شوند و یکدیگر را فرامی‌خوانند. اگرچه منزل‌ها و پیکرشان از هم جدا باشد، ولی روحشان از یک روح بوده، و روح مؤمن به روح خدا پیوسته‌تر از پرتو خورشید به خورشید است. و چه بسا مؤمنی، دیگر مؤمنی از سرزمین دیگر را نشناسد، ولی از حال او با آنچه بیان کردیم باخبر می‌شود؛ و هر که در راه خدا و بر اساس ایمان

به خدا، برادری به دست آورد و برای خشنودی خدا به حقوق برادری اش وفاداری کند، پرتوی از ایمان و امانی از عذاب خدا و عزتی پاینده و... به دست آورد.



۱- پیروی از نصیحتگر:

تلخی نصیحت و راهنمایی مشفقانه شدن سودمندتر از شیرینی غلّ و غش است و ما باید در مقابل افرادی که قصدشان دلسوزانه و خالصانه و خوبی به ما هست، فروتنی و ملایمت داشته باشیم، چرا که آن‌ها عواقب کارهایمان را اندیشیده و در پی جبران کاستی‌هایمان می‌باشند. پس اطاعت از آن‌ها موجب هدایت، افزایش خرد، کمال عقل، خوش‌فرجامی، رهایی از نکوهش، رستگاری و دوستی را در پی دارد و مخالفت آن‌ها مایهٔ تباهی و زیان می‌گردد؛ و اگر هم که نادرستی سخنش مشخص شد، با او مهربان بوده و به داشتن سوءنیت او را متهم نکرده، مگر آنکه اطمینان به نیت سوء او از این گفتارها شویم، که در این صورت به سخنانش نباید اعتنا کرد؛ و این نوع برخوردها در منتظران مشهود است.

۲- پیروی از اهل بیت:

از میان فریضه‌هایی که خداوند واجب ساخته است، برترین چیزی که می‌توان با آن به خداوند تقرب جست، فرمان‌بری از خدا و پیامبرش و دوستی خدا و پیامبرش و اولوالأمر است. در حقیقت هر که خدا را فرمان‌برداری کند پیروی از اهل بیت هم جزو طاعتش قرار می‌گیرد؛ و هر که از آن‌ها اطاعت کند موجب خشنودی خداوند می‌شود؛ و هر که از اطاعتشان سر باز بزند در حقیقت نافرمانی خدا را کرده است؛ و از آثار پیروی از اهل بیت می‌توان به دوستی خدا و رضایتش، آمرزش گناهان، رستگاری کامل و ورود به بهشت اشاره کرد؛ و منتظران در بالاترین درجات اطاعت از اهل بیت قرار دارند.

۳- پاکی:

پاکی و طهارت ظاهری، آنکه نجاسات را اعم از وقت قضای حاجت و... برطرف کرده و اگر جنب شده است خود را با غسل جنابت تطهیر نماید و نیز برای نماز خواندن وضو بگیرد. پس با وضو یا غسل یا تیمم خود را با طهارت نگه دارد.

۴- پاکیزگی:

از آنجا که خدای متعال اسلام را بر پاکیزگی بنیان نهاده است و جز افراد پاکیزه به بهشت وارد نمی‌شوند، پس با انواع طهارات مانند آب، خود را

پاکیزه نگه دارد؛ و نیز در جهت پاکی معنوی، از ایمان داشتن برای پاک شدن از شرک، و از تقوای الهی که داروی بیماری دل‌ها و پاک‌کننده آرایش جان‌هاست، کمک بگیرد؛ و نیز باید خود را از پستی عیوب مانند حسد، کینه، تکبر و گناهان پاک کرده و همچنین باید زمین را از لوث وجود افراد پست و ظالم و دشمنان خدا و اهل بیت پاک نماید.

۵- پیشی گرفتن به بهشت:

بهشت، خطّ پایان پیش افتادگان و آتش، سرانجام واماندگان است؛ و کسی که خواهان بهشت باشد نباید خوابش دراز و مرکبش کُند و همّتش سست باشد و از جمله آنچه موجبات بهشت رفتن را فراهم می‌کند عبارت‌اند از: خوش‌خویی، خداترسی، جهاد، نیکو کردن باطن، انفاق، انصاف، شکیبایی در سختی‌ها، روزه‌داری، نیاززدن بندگان خدا و... است؛ و جایی است که خوشی‌هایش دل را نمی‌زند و ساکنانش در پناه خدای رحمان هستند و جوانی‌شان از بین نمی‌رود و... و نخستین کسانی که وارد بهشت می‌شوند: اهل بیت، فقرا، شهدا، نیکوکاران و... است.

از آنجا که بهشت، خود دارای درجات و طبقات است، منتظران برای رسیدن به درجات بالای آن رقابت کرده و پیشی می‌گیرند؛ و آنان که سبقت می‌گیرند و جلوترند جزو مقربان محسوب می‌شوند. پس یک مسئله، پیشی گرفتن در ورود به بهشت و مسئله دیگر رفتن به بالاترین درجات بهشت می‌باشد.

ت

۱- ترک حسادت:

از دیگر ویژگی‌های منتظران ترک حسادت، یعنی ترک آرزوی زوال نعمت از برادر مسلمانش است؛ اما اگر زوال نعمت از او را نخواهد بلکه مثل آن را برای خود بخواهد، غبطه و منافسه گویند و معیار در خیرخواهی و عدم حسادت آن است که آنچه را برای خود نمی‌خواهی برای دیگری نیز نخواهی و آنچه را برای خود می‌خواهی برای دیگری نیز نخواهی. حسد از سخت‌ترین و دشوارترین بیماری‌های روانی و پلیدترین رذایل است. باید شخص محسود بداند که با حسادت کردن، ضرری به محسود نمی‌رسد و عیب گرفتن حاسد از محسود موجب ازدیاد حسنات و بالا رفتن درجات محسود و انتقال اعمال شایسته خود به دفتر اعمال او می‌شود و نیز در حقیقت حسد کننده در مقام عناد و ضدیت با پروردگار است، زیرا اوست که نعمت‌ها و خیرات را بر بندگان به مقتضای حکمت و مصلحت خود ارزانی داشته است.

برای حسدِ مذموم سه مرتبه هست: اول اینکه دوست دارد نعمت از محسود برطرف شود هر چند به وی منتقل نشود و این زشت‌ترین مراتب حسد است. دوم اینکه دوست دارد نعمت از دست دیگری بیرون برود برای رغبت و تمایلی که به آن دارد مانند خانهٔ مطلوبی که می‌خواهد از

دست وی برود تا به آن دست یابد و سوم آنکه تمایل او به مثل آنچه دیگری دارد باشد نه به خود آن، اما چون از رسیدن به آن ناتوان است دوست دارد که از دست او بیرون رود تا برابر باشند و اگر بتواند، در بیرون شدن آن نعمت از دست وی می‌کوشد.

انگیزه‌های حسادت شامل خباثت نفس و بخل نسبت به بندگان خدا، دشمنی و کینه‌توزی، حبّ ریاست و حبّ مال و جاه، ترس از بازماندن از مطلوب خود، تکبر، تعزّز (یعنی اینکه بر او گران باشد که یکی از همگانش از او بالاتر و برتر شود به این گمان که اگر آن شخص به نعمت‌هایی دست یابد بر او تکبر خواهد کرد و او که می‌خواهد ارجمند شمرده شود نمی‌خواهد آن نعمت به وی برسد) و تعجّب (و این در وقتی است که محسود در نظر حاسد حقیر و نعمتی که به وی رسیده بزرگ باشد و از رسیدن مثل وی به چنان نعمتی در شگفت شود و حسد ورزد و زوال آن را بخواهد بی‌آنکه قصد تکبر یا ریاست یا دشمنی داشته باشد) می‌باشد. پس در مجموع منشأ همه عوامل و اسباب حسد، دوستی دنیاست.

پس باید شخص حاسد برای علاج حسد خود، ضدّ حسد که خیرخواهی است را بر خود مکلف سازد و چون بر این روش با تکلف مداومت نمود ماده حسد به تدریج از او کنده می‌شود.

۲ - تقوا :

از آنجا که تقوا، روزی منتظران شده است، باید دانست که به کسی که تقوا داده شد، خیر دنیا و آخرت داده شده است؛ که اساس همه کارها، رئیس خوی ها، برترین اعمال، محکم‌ترین شالوده و پناهگاه، فاخرترین جامه‌ها، کلید هدایت و رستگاری، داروی درد قلب‌ها، بینا کننده کوری دل‌ها، شفابخش بیماری جسم‌ها، برطرف کننده تباهی سینه‌ها، پاک کننده آلودگی جان‌ها، فرونشاندن ترس و اضطراب دل‌ها، زداینده سیاهی ظلمت‌ها، رستن از نابودی و رهایی از هر غم و اندوه می‌باشد. تقوای خدا، دوستان خدا را از ارتکاب حرام‌هایش نگه می‌دارد و نیز از فرو رفتن در شبهات بازمی‌دارد؛ و هیچ‌کس بر دیگری به هیچ دلیلی برتری ندارد مگر به سبب تقوا.

خدای متعال اعمال را جز با وجود تقوا و اخلاص نمی‌پذیرد و هر که تقوا پیشه کند خدا او را از هر تنگنایی برون برده و راه خروجی از فتنه‌ها برایش قرار دهد.

متقین کسانی‌اند که گفتارشان با راستی و درستی توأم است، پوشاکشان با میانه‌روی، راه رفتنشان با تواضع، بردبار، نرم و ملایم، حریص به علم و معرفت، خاشع در عبادت، با عزت‌نفس، عدم حرص و طمع به دنیا، شاکر، شب‌زنده‌دار، آرزوهایشان کوتاه، لغزششان اندک، نفسشان قانع، خوراکشان کم است و شهوتشان مرده، خشمشان فرو خورده، ذاکر خدا،

باوقار در حوادث، کم‌خرج، خداترس، مقید به انجام واجبات و ترک محرمات و معاصی، توکل‌کننده به خدا در کارهایشان، مخلص، فرصت‌طلب، رزقشان از حلال، امانت‌دار، وفادار به عهد و پیمان، خوش‌خو و اهل احسان و... هستند. آن‌ها مجری فرمان خدا بوده و بیشترین یاری را به مردم می‌رسانند.

۳- توأب بودن:

از خصلت‌های نیک منتظران، بسیار توبه و بازگشت‌کننده به سوی خدا هستند. که بعد از هر اشتباه و عصیانی، پشیمانی در دل، آمرزش‌خواهی به زبان، عمل کردن با اعضای بدن و تصمیم بر بازنگشتن به آن عمل را دارند؛ و همچنین منتظران، بسیار افرادی را که نسبت به آنان بدی داشته‌اند و حال پشیمان‌اند را بخشیده و می‌پذیرند و مانند خداوند شخص توبه‌کار را دوست می‌دارند.

و چون خداوند تواب است کاری می‌کند که هم موکلین نویسنده اعمال خوب و بد بنده، گناه بنده را از یاد ببرند و هم مکانی که در آن گناه کرده است؛ و این از سنت خداست که به بازگشت‌کننده و رجوع‌کننده به خودش، پذیرش کامل دارد و از آنجایی که نوع آدمیان از سستی و نسیان و ضعف اراده و مجبور به هم‌نشینی با دیگران و خوردن غذاهای آن‌ها و... در امان نیستند، لذا دچار تاریکی و کدورت قلبشان می‌شود، پس همیشه نیاز است که به درگاه خدای متعال طلب آمرزش کرد.

درب توبه پذیری مفتوح است، حالا می‌خواهد گناه کننده هر کس که باشد و یا گناهش هر چه که باشد.

۴- سیراب کردن تشنگان:

از دیگر کارهای خیر و نیک منتظران، سیراب کردن جگر تشنگان اعم از انسان‌ها و یا حیوانات است، که اجر و ثواب زیادی را دارد؛ و برای جبران معاصی می‌توان از این عمل کمک گرفت و اگر در جایی که آب یافت نمی‌شود، حداقل یک نفر را آب بنوشاند، مانند کسی است که یک نفر را زنده کرده و چنان است که همه مردم را زنده کرده باشد؛ و از آداب آب دهنده گروه آن است که باید خودش از همه آخرتر آب بنوشد و می‌توان از این مطلب گریزی زد که چقدر سیراب کردن تشنگان معارف الهی، ثواب و پاداش دارد.

ج

۱- جویا شدن حال غائبین:

از صفات پسندیده منتظران، آن است که اگر برادران خود را برای مدتی هرچند کوتاه نبینند، جویای احوالشان می‌شوند؛ و اگر بدانند که جایی رفته‌اند، برایشان دعا می‌کنند که به سلامتی برگردند و خطری آن‌ها را تهدید نکند و اگر بدانند که در شهر خود هستند، به دیدارشان می‌روند و

از نزدیک او را ملاقات می کنند که اگر هم مشکلی وجود دارد در پی رفع آن باشند، و اگر هم بفهمند که برادرشان بیمار شده است به عیادتش می روند، تا موجبات شادی و سرحالی را برایش فراهم کنند.

۲- جهاد در راه امام:

منتظران از جمله بهترین مردمانی هستند که خود را وقف امام نموده اند و با دشمنان امام با سلاح، زبان، قلم و دل جهاد می کنند. و خواستار مرگ یا کشته شدن در میدان کارزار هستند. از شاخه های جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، پایداری در جبهه های جنگ و دشمنی با تبیه کاران می باشد.

اما آنچه گفته شد مربوط به جهاد اصغر بود؛ و برتر از این جهاد، جهاد اکبر است که منتظر مجاهد برای کسب رضایت امام و قرب به ایشان با خواهش های نفس خود مبارزه می کند و این برترین جهادهاست؛ چه بسا در جهاد اصغر، آدمی یک بار می میرد، ولی در مبارزه با نفس و مخالفت با خواهش هایش و ستیز با شیطان روزی هفتاد بار بمیرد.

و از آنجا که اصلاح نفس با مجاهدت حاصل می شود، ثمراتی را در پی دارد که از جمله می توان: به چیره شدن بر عادات بد، مالک شدن بر نفس خود و آمدن حکمت بر دل ها اشاره کرد.

و منتظران به خاطر رسیدن به امام، خود را به رنج می‌افکنند و طعم آسودگی را به نفسشان نمی‌چشانند و سخت‌ترین کارها را برمی‌گزینند و تمام توان خود را به کار می‌گیرند تا تمام خواسته‌های امام را پیاده کنند.

ح

۱- ادای حقوق برادران:

از جمله مواظبت‌های منتظران، ادا کردن حقوق برادران دینی خود است. و از جمله آن حقوق: حرمت جان و مال آن‌ها را داشتن، سلام کردن به آن‌ها یا پاسخ سلام آن‌ها و حتی بهتر از آنچه به او سلام و تحیت داده شد در حین دیدنشان، نیک‌خواهی برای آنان مانند هدایت و راهنمایی آنان و بر حذر داشتن آنان از فساد و اصلاح امور معاد آن‌ها و نیز یاری کردن و کمک‌رسانی و پشتیبانی از آن‌ها و برآوردن نیازهایشان و گرمی داشتن و همدردی با آن‌ها و بخشش اموال، مقدم داشتن برادران را بر خود در مشکلات، ایثار، به نیکی از آن‌ها یاد کردن در نبودنشان، هدیه کردن عیب‌ها به آن‌ها، دعا در نبودنشان، نهی از منکر برادرش در زمانی که او را در انجام کار ناپسندی ببیند، گذشت کردن از لغزش‌هایشان، جویا شدن حال آن‌ها در غیابشان، وفاداری نسبت به آن‌ها، عدم نیرنگ و عدم کوتاهی در دوستی، سیر نگه‌داشتن آن‌ها ولو آنکه خود گرسنه بماند و... و در مجموع آنکه آن‌ها را در تمام گرفتاری‌ها رها نکند.

۲- گفتن حق :

از نشانه‌های منتظران باتقوا آن است که حق را می‌گویند ولو آنکه به ضرر خود یا علیه پدر و مادرش باشد؛ و به خاطر آن‌ها از حق منحرف نمی‌شود. حق به معنای در میان راه رفتن و راستی و درستی را دنبال نمودن و از روی حکمت چیزی را در جای خود قرار دادن است و تبعیت از حق و حق‌مداری در باب اندیشه و نظر، مجهز گشتن به سلاح منطق و مزین شدن به جامهٔ یقین و دوری از مغالطه کاری و خیال‌بافی و پرهیز از تبعیت از اشخاص، به‌جای تبعیت از قول حق و درست است؛ و نیز برای شناخت حق، باید تقوا پیشه کرد و قوهٔ فرقان (که حق را از باطل تمیز می‌دهد) پیدا کرد، چرا که گاهی شناخت حق سخت می‌شود و آثار و برکات شناخت حق از نشانه‌های بصیرت و دانایی است و راه موافقت با حق، مخالفت با نفس می‌باشد.

۳- حب پدر و مادر:

اسلام از نظر حقوقی حساب ویژه‌ای برای والدین باز کرده و نیز به جنبه‌های عاطفی آن هم توجه داشته است؛ لذا می‌بینیم والدینی که از فرزندانشان راضی هستند موجب خیر و برکت و سعادت فرزند می‌شود و اگر در حق فرزند خود دعا کنند خداوند به این دعا توجه خاصی می‌نماید و اگر هم والدین از او ناراضی باشند و نفرین کنند، چه بسا خداوند بر چنین فرزندان قهر و عذابش را نازل بفرماید و بر فرزندان است که در

مقابل زحماتی که برای بزرگ کردن و تربیت فرزند کشیده‌اند احترام آن‌ها را حفظ نموده و دوستشان داشت و منتظران تا اندازه‌ای که شرع مقدس اجازه می‌دهد آنان را دوست داشته و به آن‌ها محبت می‌ورزند.

خ

۱- خوش نیّتی:

از اوصاف منتظران آن است که نیّتش را در هر عملی به بهترین نیّات منتهی می‌سازد، مثلاً اگر خدا را می‌خواهد عبادت کند، از روی عشق و محبت است؛ تا از برترین مزایای آن برخوردار شود و یا در برخورد با برادران دینی، به این نیت با آن‌ها رابطه داشته باشد که آنان خود او هستند و یا در درجات بالاتر آنان را به نیت (هو رسول الله) و حتی بالاتر (هو الله) ببیند تا همیشه حواسش به خدا باشد.

۲- خوش گمانی:

از صفات منتظران، خوش گمانی به خدا و اهل بیت علیهم‌السلام در امورات خود و برادرانش بوده و بالاترین وجه نیک را نیز تا حتی الامکان در برخورد با عملکرد مؤمنین در اعمال و رفتارشان در گمانش در نظر دارد، تا مبادا در نیّت و عمل به خطا رفته باشد و نیز خیلی از گمان‌های مؤمنان، پیشگویی می‌باشد، چرا که خداوند متعال حق را بر ذهنشان وارد

می‌کند. خوش‌گمانی باعث آسایش دل، کم شدن اندوه و محبوب شدن می‌شود و از آن طرف بدگمانی باعث ترس، بخل، آزمندی، بدباطنی، از دست دادن دوستان و... می‌گردد و آدم بد به هیچ کس خوش‌گمان نیست؛ زیرا همه را مانند خود می‌داند و بر شخص مؤمن است که خود را در جایگاه تهمت و بدگمانی قرار ندهد، چرا که حتی هم‌نشینی با بدان، بدگمانی به نیکان را در پی خواهد داشت.

بله فقط در زمانی که ستم و ناراستی و بی‌عدالتی از حق و عدالت و راستی بیشتر بود، بر هیچ کس روا نیست که به کسی گمان خوب برد، مگر آنگاه که خوبی او بر وی معلوم شود.

۳- خوش‌خویی:

یک منتظر خوش‌خوست، چرا که مولایش دارای این صفت بوده و خوش‌خویی آثاری همچون فراوان شدن روزی، انس با دوستان، استوار شدن رفاقت، جلب دوستی و محبت و... را همراه دارد.

۴- خوش‌رفتاری:

از خصلت‌های منتظران، که باعث افزایش محبت دل‌ها و فراوان شدن دوستان می‌گردد، خوش‌رفتاری است که منشأ این رفتارها، به تغذیه جسمی و روحی شخص برمی‌گردد، که اگر این نوع تغذیه، پاک و نورانی

باشد اثرات مثبتی بر رفتار شخص دارد و از آنجا که منتظران مراقبه ویژه بر طعام مادی و معنوی خود دارند به این صفت، بارز می‌گردند.

۵- خالص شدن:

یکی از ویژگی‌های منتظران، خالص شدن در نیت و عمل است و سعی شان بر آن است که نه برای ترس از آتش جهنم و یا طمع رسیدن به بهشت، عملی را انجام دهند؛ بلکه اعمالشان برای شکر حق و یا از روی محبت بوده و به دور از ریا و هر گونه شرک می‌باشد.

۶- خاموشی:

از عبادت‌های منتظران، خاموشی و سکوت همراه با توجه و کنترل شده است و آنان در جهت جلب رضای محبوب و سلامت ماندن از خطا و عصیان، با این شیوه زبان را مهار می‌کنند و نیز خاموشی بسیار، دری از درهای حکمت و راهنمای به سوی خیر و باعث باز شدن زبان دل و جمع شدن فکر می‌باشد و برای همین در مواقع غیرضروری و بدون حکمت سخن نمی‌گویند.

۷- خیرخواهی:

منتظران همان‌گونه که خیرخواه خویش هستند، خیرخواه دیگران نیز بوده و کسی که خیرخواهی نکند، دوستی‌اش را خالص نگردانیده است؛ هر چند آن خیرخواهی خوشایند یا ناخوشایند برای دیگران باشد و از

نشانه‌های شخص خیرخواه آن است که به حق قضاوت می‌کند، قبل از خود به دیگران حق می‌دهد، برای مردم همان می‌پسندد که برای خود می‌پسندد و به حق هیچ کسی دست‌درازی نمی‌کند؛ اما افرادی هم هستند که علاقه‌ای به سعادت دیگران ندارند. از جمله شخص حسود، که خیرخواهی از او محال است و از جمله آثار خیرخواهی آنکه محبت و دوستی را به بار نشانده و این از واجبات اخلاقی است که مؤمن حق دارد برادر دینی‌اش را نصیحت کند و مؤمن غریزه‌اش خیرخواهی می‌باشد.

۸- خیررسانی:

از اوصاف منتظران، خیررسانی به دیگران است. کارهای خیر بسیار بوده، ولی انجام دهنده آن‌ها اندک می‌باشد. از نشانه‌های اهل خیر آن است که نادانی‌شان اندک، سودشان بسیار، آسودگی مردم از دست آنان و عدم آزار و اذیت از آن‌ها، سخنانشان سنجیده، در رنج بودن جهت خدمت‌رسانی و از جمله خدماتشان اطعام و یا لباس پوشاندن به فقرا و نیازمندان، افزایش دانش دیگران، هدایت و راهنمایی مردم و در یک کلام آنکه بار زحمت مردم و سختی‌هایشان را به دوش می‌کشند و آنان بهترین انسان‌ها هستند از این حیث که مردم از آن‌ها بهره‌های فراوان می‌برند و این خود اندوخته‌های ماندنی برای آنان بوده و باعث کسب دوستی و بارش هزاران برکات برای آنان می‌شود.

۹- خداشناسی:

از آنجا که شناخت خدا بالاترین شناخت‌ها برای منتظران است و شناختش هم نامتناهی است، در مرحلهٔ اول، آنکه حق خودش را به بنده می‌شناساند و دوم بنده به آثار و صفات، او را شناسا می‌شود و مرتبهٔ اول بالاتر است؛ و بدان که شناخت ذات و اسماء و صفات حق به کُنه ممکن نیست؛ به علت متناهی بودن الوهیت و ربوبیت.

تا انسان خود را به طور کامل تطهیر نکند و از تعلّقات خود را پاک نکند، نمی‌تواند خدا را به درجات بالایی بشناسد و نیز به مقتضای غلبهٔ معرفت بر منتظران و سالکان است از ظهور اسماء و صفات، که یکی مناجاتی و دیگری خراباتی و یا بعضی محبتی و یا ذکری و... می‌شوند. پس نباید کسی دیگری را ملامت کند. چه آنکه معرفت از تقدیرات ربّانی به ظرفی قابل‌ریخته می‌شود و به همان مضرّف، عارف راه می‌رود.

و نیز خداوند خلق را نیافرید مگر آنکه او را بشناسند و عبادتش کنند و تا کسی چیزی یا کسی را نشناسد، چطور می‌تواند برای آن گام بردارد و فرمان‌بردار باشد؛ پس پرستش معلول معرفت است که حاصل می‌شود. و فهم و ادراک و معرفت به اندازهٔ دانایی و کشف است. پس معرفت درجات داشته و هر که در حد خودش به شناختی می‌رسد و در مراتب معرفت کدام بهتر است؟ یعنی از اثر به مؤثر یا از مؤثر به اثر؟ در جواب باید گفت: ادراک و استدلال از مؤثر به اثر بهتر و کامل‌تر است تا از اثر

به مؤثر؛ چه آنکه از آثار احتمال آنکه در مشاهدات خطایی رخ دهد وجود دارد، اما در دومی این خطا نباشد. در اولی از دانی به طرف عالی است ولی در دومی از عالی فیض به طرف دانی سرازیر می‌شود.

۱۰- فروردن خشم:

از خوی منتظران در جهت عدم تباهی ایمان و فروزان نشدن آتش درون و بستن راه نفوذ شیاطین به درون و عدم نابودی خرد و قطع نشدن ریشه برهان و دلیل و تسلط بر خود و میراندن خواهش نفس، فروردن خشم است و نگه‌داشتن خشم باعث پوشیدگی عیوبمان و جلوگیری از عذاب خدا در زمان خشم او از ما و قطعی شدن دوستی خدا با ما می‌شود و قدرت اندیشه شخص در زمان خشم شناخته شده و باید در هنگام خشم جایی برای خشنودی نیز باقی گذاشت و آن را به اوج نرساند. هرچند که در بعضی مواقع غضب و ناراحتی ستوده می‌باشد، که با عدم افراط در آن، می‌توان تا اندازه نیاز در جهت جلب رضایت حق آن را آشکار کرد.

۱۱- از خود گذشتگی:

از بهترین و بالاترین احسان‌ها و نیکوکاری‌های منتظران، ایثار و خود گذشتگی است. ایثار از انفاق، جود، کرم و سخاوت و امثال این‌ها بالاتر است و چه بسیارند افرادی که کریم و جواد و بخشنده‌اند، ولی از بین این‌ها باز فرد ایثارگر کم است؛ چراکه شخص ایثارگر با وجود احتیاج خودش به مال و یا حتی جانش، دیگران را بر خود مقدم می‌دارد و

حسابگری نمی‌کند که مقداری را الآن عطا کنم و مابقی را در روزهای آتی؛ لذا عاقلانه راه نمی‌رود بلکه عاشقانه می‌رود و به یک شب، ره صد ساله را می‌پیماید.

از نشانه‌های صداقت دوست آن است که برترین سخاوت یعنی ایثار را از او مشاهده کنی و تو را بر خویش مقدم بدارد و از برکات ایثار آن است که اختیاردار دیگران شده و موجبات آمرزش از گناهان و رستگاری‌اش را فراهم کرده است.

۱۲- خستگی برای حضرت:

قلب دوستدار یک منتظر حقیقی، خستگی در راه حضرت را دوست دارد. و برعکس قلب بی‌خبر از یاد خدا و دور از حضرت، آسایش را دوست می‌دارد؛ پس به هوش باشیم که مقام والای انتظار را بی‌سختی نمی‌توان به دست آورد و از آنجا که یک منتظر در پی کسب محبت و فرمان‌برداری از حضرت می‌باشد، در انجام وظایف و رسیدن به اهداف بلند خود خستگی را به جان خواهد خرید تا بدین‌وسیله رضایت محبوبش را جلب کند و آنان می‌دانند که این خستگی‌ها و تلاش و کوشش‌ها هم لذتی بسیار و هم موجب قرب و نزدیکی به ایشان می‌گردد.

۱۳- طلب خیر دنیا و آخرت:

قلب‌های آدمیزاد سه گونه می‌باشد: قلبی مشغول به دنیا، قلبی مشغول به عقبا و قلبی (منتظران) مشغول به مولا؛ اما قلب مشغول به دنیا را سختی و بلاست و قلب مشغول به عقبا را درجات والاست و اما قلب منتظران که مشغول به مولاست، را هم طلب خیر دنیا و هم عقبا و هم مولا می‌باشد. پس باید در نظر داشت که از خدای متعال راهی را بخواهیم که برایمان بگشاید که خیر دنیا و آخرت را هم شامل شود.

,

۱- دوستی اهل بیت:

از صفتهای منتظران آن است که اهل بیت علیهم السلام را از خود و خانواده خود بیشتر دوست دارند و هر که محبت اهل بیت روزی اش شده است، خیر دنیا و آخرت به او رسیده است و از نتایج این حبّ می‌توان به: زهد، شوق به کار و عمل، پارسایی در دین، رغبت به عبادت، توبه، نشاط در شب‌زنده‌داری، چشم برکندن از آنچه مردم دارند، حفظ اوامر و نواهی خداوند، دشمن داشتن دنیا، سخاوت و بخشندگی، ورود به بهشت و... اشاره کرد و نیز این دوستی باعث می‌شود که هنگام مردن، در گور، روز رستاخیز، هنگام دیدن نامه اعمال، هنگام حسابرسی اعمال و پل صراط

و... به کار آید؛ و آدمی با کسی است که دوستش می‌دارد و دوستی اهل بیت موهبتی الهی است که شامل هر کس نمی‌شود.

۲- با دل کار کردن:

منتظران به نیت جلب دوستی و رضایت حضرت کار می‌کنند و با دل و رضایت و شوق به سراغ عمل می‌روند و برای همین به زحمت و رنج افتادن، برایشان لذت‌بخش می‌باشد و توقف در کار کردن و ناله و شکوه ندارند؛ برای همین در حین کار، از قدرت مضاعف‌تر و نشاط بیشتری برخوردار هستند و خود انجام این سختی‌ها برایشان جنبه تربیتی و ازدیاد محبت و پایداری روحی و برکات بی‌شماری در پی دارد؛ چون حرکت محبانه در انجام کارها دارند لذا از سرعت بالایی در پایان بردن کارها برخوردارند و هم کارهایشان کیفیت بالایی دارد و رنگ و بویی الهی پیدا می‌کند و هم مقدار کارکردشان بالاست؛ درحالی‌که در مقابل افرادی هستند که کار کردن برایشان فقط رنج و زحمت دارد و لذتی از آن نمی‌برند.

۳- دید و بازدید:

از دیگر خصلت‌های منتظران آن است که به دیدار خویشاوندان، دوستان، برادران دینی و... می‌روند و فقط همسایگی صرف نمی‌کنند، بلکه در این دید و بازدیدها با هدیه دادن و کارهای پسندیده، کینه و کدورت‌ها را از بین برده و دوستی‌ها را استوار می‌کنند. دیدار نیکان، مایه آبادانی و زنده

شدن دل‌ها، رویانیدن بذر محبت، رفع دل‌تنگی، سبب باروری عقل و... می‌گردد و از آداب دیدار کردن آن است برای فروکش نکردن محبت و کم نشدن خوش‌رویی و ملال‌آور نشدن، هر روز به دیدنش نرود، بلکه یک روز در میان و یا با در نظر گرفتن شرایط، تصمیم رفتن به دیدار دوست کند؛ مگر آنکه به پایداری دوستی برادرش اطمینان کامل دارد، که در این صورت هر وقت به دیدنش برود مشکلی پیش نمی‌آید.

۴- دست دادن:

منتظران هرگاه با برادران دینی خود روبرو می‌شوند با سلام گفتن و از دست دادن برای تکمیل کردن کامل ابراز علاقه‌مندی خود کمک می‌گیرند و بعد از دست دادن خوب است که دست خود را دیرتر از طرف مقابلمان بکشیم و این عمل دست دادن، باعث از بین رفتن کینه و کدورت و پاک شدن از گناهان و افزایش دوستی می‌شود و حتی با افرادی که به ما بد کرده‌اند، برای رفع دشمنی و آشتی و تربیت اخلاقی طرف مقابل دست دادن کاری پسندیده می‌باشد.

۵- اعلام دوستی:

منتظران برای پدید آوردن و استواری دوستی و بیشتر شدن پیوند و پایداری الفت، اگر برادری را دوست بدارند، دوستی‌شان را نسبت به برادر دینی خود اظهار و آشکار می‌کنند، چراکه هم همانند همین حالت را نزد او خواهند یافت و هم باعث محبوب شدن و عدم خیانت به او و نیز باعث

آرامش قلبشان می‌شود؛ چراکه این علقه و الفت را از ناحیهٔ خدای متعال در دل‌هایشان می‌دانند.

۶- حفظ دوستی کهن:

از صفات منتظران آن است که دوستی با برادر کهن را تا آنجا که با او صادق است با برادری تازه عوض نمی‌کنند، چراکه دوست کهن حقوق بیشتری نسبت به دوست جدید بر آن‌ها دارد و نیز دوست کهن دوستی است که آزموده شده می‌باشد، ولی دوست جدید و نو هنوز مورد آزمایش کامل قرار نگرفته و نیز دوستی‌های قدیمی حکم خویشاوندی دارند، که هر کس آن را ببرد اثرات بدی برایش خواهد داشت و با تغییر دوست، نعمت‌های خدا هم بر ما تغییر خواهند کرد.

۷- دوستی با مؤمنان:

از وظایف یک منتظر در دوستی با مؤمنان آن است که او را به چشم بزرگ بدارد، او را به دل دوست و خالص بدارد، از مال خود به او ببخشد، غیبتش را حرام شمارد، به هنگام بیماری به عیادتش برود، در تشییع جنازه‌اش شرکت کند و پس از مرگش جز به نیکی از او یاد نکند. و این محبت مؤمن به مؤمن در راه خدا از بزرگ‌ترین شاخصه‌های ایمان است.

۸- دوستی با عالمان:

آدمی یا باید خود عالم باشد یا آموزنده و یا دوستدار اهل علم و به غیر از این موارد قطعاً هلاک خواهد شد و بر شخص منتظر عاقل سزاوار است که با عالمان و نیکان، بسیار مصاحبت کند و از مصاحبت با بدان و نادانان تبهکار دوری کند؛ و دانش گنجینه‌ای است که پرسش کلید آن است. لذا در راه دانش باید یا پرسنده، یا گوینده، یا شنونده و دوستدار اهل علم می‌بود.

۹- دوستی عاقلان:

از جمله دوستی‌های منتظران، دوستی با عاقلان است و مصاحبت با عاقل، مایهٔ فروتنی است و مصاحبت با احمق، مایهٔ کاستی در دنیا، پشیمانی به هنگام مرگ و زیان در آخرت است و اشکالی ندارد که با عاقل مصاحبت کرد، گرچه کرم او را نستاییم؛ لیکن از عقل او بهره بگیریم و از خوی بدش خود را نگه بداریم.

۱۰- دوستی با نیکان:

از بهترین انتخاب‌های منتظران برای دوستی، افراد نیک هستند. افرادی که نیک‌خواه بوده و در هیچ حالی از نیک‌خواهی برای برادرش دست نمی‌کشد و برای هدایت و راهنمایی و دور نگه‌داشتن از فساد و تباهی

برادرش تلاش می‌کند و رسیدن به مقام والای نیکی بدون سختی کشیدن حاصل نمی‌شود.

از دیگر ویژگی‌های افراد نیک آن است که نیکی را هر کس انجام دهد دوست دارند و از جمله کارهای نیک می‌توان به خوش‌خویی، فروتنی، صبر بر بلا و گرفتاری، خرسندی به قضا و دستگیری خلق و هزاران کار دیگر نام برد.

نیکی کردن بهترین کشت در این دنیا و توشه‌ای برای آخرت است و آدمی بعد از مرتکب شدن بدی‌ها، خوب است کارهای نیک انجام دهد که باعث محو شدن آن بدی‌ها می‌گردد؛ ولی از آن طرف چه بدی‌هایی که بعد از کارهای نیک بوده و باعث نابودی آن کارهای پسندیده گردیده است و بد به حال کسی که بدی‌هایش با آنکه هر کدامش یکی حساب می‌شود غلبه پیدا کند بر نیکی‌های شخص که هر کدامش ده برابر و هفت صد برابر و... می‌گردد.

دل‌ها بر محبت کسی که به آن‌ها خوبی کند و بر نفرت از کسی که به آن‌ها بدی روا دارد سرشته شده است و در حقیقت انسان بنده احسان است؛ و حتی بزرگواران با چیزی همانند اکرام به بندگی گرفته نشدند؛ پس با نیکی کردن، دل‌ها تصرف و به بند کشیده می‌شود.

و کمال احسان و نیکی منت نهادن به سبب آن بوده و کسی که رشته احسانش را قطع کند چه بسا خداوند توانایی بر نیکی کردن را از آن

شخص بگیرد و نیز هر که نیکی دیگران را پوشیده بدارد با کیفر محرومیت مجازات شود.

و از علامات مؤمن است که چون کار نیک انجام شود شادمان، و هرگاه بدی از کسی سرزند ناراحت می‌شوند و از ثمرات نیکوکاری آن است که باعث جلب محبت، فراوان شدن دوستان، خدمتگزاران و یارانش شده و باعث استمرار محبت دیگران می‌گردد.

۱۱- دوستی با فقیران:

از جمله دوستی‌های منتظران، دوستی با فقرا می‌باشد؛ که نباید آنان را حقیر شمرد و بر آنان بزرگی کرد، بلکه باید آن‌ها را احترام و گرامی داشته و با آنان دوستی و محبت نمود و نباید آنان را به خاطر نداشتن چیزی از خود دور نموده و دولت‌مندان و ثروتمندان را به خاطر جایگاه و ثروتشان به خود نزدیک نمود و اگر کسی فقیران و مسکینان را به نگاه حقارت بنگرد مسلماً در پیشگاه خدا حقیر خواهد شد و باید دانست که هیچ فقری چون فقر دل، نادانی، کم‌خردی و طمع‌کاری نیست.

۱۲- دوستی با فرزندان:

از دیگر دوستی‌های منتظران، دوستی و محبت کردن با فرزندان می‌باشد. بسیاری از بچه‌ها از کمبود محبت و عاطفه از ناحیه والدین رنج می‌برند، و همین امر چه بسا موجب عواقب و پیامدهای منفی مانند جذب

برخوردهای عاطفی دشمنان دوست‌نما و فساد‌شود و لازم است که آدمی بیش از آنچه فرزندش به او مهربانی ورزد، او به آن‌ها محبت و مهرورزی داشته باشد. ابراز دوستی به فرزندان، فقط به صرف گفتن و ابراز دوستی نیست، بلکه گاهی با احترام کردن، بوسیدن، نوازش کردن، هدیه و سوغات خریدن، بازی کردن و این‌گونه حرکات می‌باشد. ترحم و شفقت و دلسوزی و پیگیری مشکلات آنان، و آموزش و تربیت صحیح و توجه به استعدادهای فطری آن‌ها و عدم تحقیر و تمسخر کردن آنان و بزرگداشت آن‌ها و تشویق، خود‌گواه عشق و محبت نسبت به فرزندان است.

۱۳- دوستی با همسر:

هرچه شدت ایمان در منتظران و افراد صالح بیشتر شود، محبت و علاقه‌شان به همسر بیشتر می‌شود. البته اگر آن دو کفو همدیگر باشند، این ابراز علاقه و محبت و الفت خیلی زیادتر نمایان خواهد شد و برای شدت علاقه، باید نه‌تنها هم‌زبانی داشت بلکه همدلی، حسن خلق، دلربایی، توجه به زیبایی، احترام به نظرها، گذشت، سعه صدر، مدارا، عدم خشونت، تأمین سعادت دینی و دنیایی، تأمین امنیت روانی، انصاف، ارتباط کلامی و عاطفی، عدم تحقیر و سرزنش، عدم مقایسه، عمل به وعده‌ها، صداقت، هدیه دادن و دیگر صفات نیک را نیز باید رعایت کرد.

۱۴- دعا در غیاب دوستان:

از کارهای پسندیده منتظران، آن است که در غیاب برادر مؤمنش، بهترین دعاها را برایش انجام می‌دهد و دست بلند کردن به سوی آسمان و اشک ریختن و از سوز دل و از آنچه برای خود می‌خواهد برای برادرش دعا کردن آن‌ها، در غیبتش از کارهای بسیار زیبایی است که موجب چندین برابر شدن دعاها و استجابتش برای خود شود.

۱۵- دل گواه دادن:

دل‌های منتظران خود گواهی می‌دهند میزان علاقه‌مندی دیگران را نسبت به خود؛ یعنی اگر دل را بیازمایند و ببینند که دل به دوست داشتن کسی گواهی می‌دهد، از آن پی می‌برند که آن شخص هم او را دوست دارد و اگر به دل خود مراجعه کرد و دید که دوستش را ناپسند داشت، بی‌گمان یکی از این دو زمینه دشمنی را پدید آورده است و قسم خوردن و به زبان ابراز علاقه کردن دیگران نمی‌تواند ملاک درستی برای شناخت حقیقی دوست داشتن باشد؛ و نیز هر چقدر جایگاه برادر دینی نزد تو باشد به همان اندازه جایگاه تو نزد او خواهد بود. پس صفای دوستی را از آنکه دوستی‌اش را برآشفتی مخواه و وفاداری از آن که به او نیرنگ زدی، مطلب و خیرخواهی را از آنکه بدگمانی‌ات را متوجه او کردی، مجو؛ چراکه دل دیگری نسبت به تو، همچون دل تو نسبت به اوست.

۱۶- بی‌علاقگی به دنیا:

منتظران از آنجا که می‌دانند آخرت با دنیا به دست می‌آید و باید از دنیای خود برای آخرتش توشه بگیرد و نیز از روی ناچاری می‌بایست قوت خود را از آن بگیرد، پس به اندازه نیاز قوتش را گرفته و به آن توجه دارد؛ ولی از آنجا که دنیادوستی را منشأ هر خطا دانسته و نیز دنیا را به عنوان منزلی می‌داند که باید از آن کوچ کرد و سرای ماندن نیست، و باید از آن بگذرد و نباید به آن دل بست، برای همین بی‌علاقه به دنیا و زیبایی‌هایش است و چون محبت دنیا و آخرت در دل مؤمن جمع نمی‌شود و دنیاخواهی به آخرت زیان می‌زند، پس به فکر آخرت طلبی است؛ و چون می‌داند که اگر کسی هم و غمّش دنیاخواهی باشد، دچار اندوه و گرفتاری‌ها و آرزوهای دراز و بدبختی و مصیبت‌ها و پیشامدها می‌گردد؛ لذا بدون هیچ علاقه‌ای به دنیا نگریسته و بدین وسیله محبوب خدا می‌شود.

۱۷- دشمنی در راه امام:

منتظران دشمنی‌هایشان با دیگران بر اساس فرمایشات دین اسلام می‌باشد و دوستی با امام با دوستی دشمنان آنان جمع نمی‌شود، زیرا خداوند برای آدمی دو قلب قرار نداده است و آن‌ها از آنجا که میزان را امام می‌دانند، لذا دشمنانشان را دشمن می‌دانند ولو آنکه آن دشمن، پدر یا فرزندان‌شان باشد. پس تبری در راه امام بر همه پیوندهای عاطفی و خویشاوندی مقدم است و هر چند که تولی و تبری در کنار هم در همه

جا آمده‌اند، ولی تبری را بر تولی باید مقدم دانست و سکوت و بی تفاوتی نسبت به دشمنان امام کافی نیست، بلکه باید موضع‌گیری کرد، و رعایت وحدت و تقریب بین مذاهب جنبه اجتماعی و اخلاقی دارد نه اعتقادی؛ زیرا در اعتقاد لازم است حرب داشت اما در عمل و جنبه‌های اجتماعی شکلش متفاوت است و هر چقدر حبّ شخص نسبت به امام بیشتر باشد به همان میزان درجه بغض او هم نسبت به دشمنان امام بیشتر می‌گردد.

۱۸- دوستی در راه امام:

منتظران دوستی‌هایشان با دیگران با معیار دستورات دین مبین اسلام می‌باشد و هر که امام را دوست دارد باید دوستان امام را هم دوست داشته باشد. هرچند که دوستان امام، قاتل پدر و یا فرزندانش باشد و تولی در راه امام، بر همه پیوندهای عاطفی و خویشاوندی مقدم است. و حبّ امام با حبّ دشمنان او در یک قلب جمع نمی‌گردد؛ و نمی‌شود که کسی امام را زیاد دوست داشته باشد اما در برائت از دشمنان امام ضعیف باشد. پس دوستدار واقعی، محبتش نسبت به امام خالص است همان‌طور که طلا به وسیله آتش خالص و ناب می‌شود و دوست‌داشتنی قابل قبول است که برای آن‌ها باشد و نیت نفسانی در آن‌ها دخیل نباشد و دوستی‌ها اگر شدت یابد می‌تواند معیت و وحدت روحانی بین دو شخص را به بار آورد.

ر

۱- راست‌گویی:

منتظران بیش از همهٔ مردم راست‌گو هستند. آن‌ها می‌دانند که راستی مایهٔ نجات است و هرچند که از دروغ بیمناک باشند آدمی را نابود می‌کند گرچه از آن خطری برای خود حس نشود؛ و کسی بیش از همه، مردم را راست‌گو می‌داند که خودش با آنان راست‌گوتر است و کسی بیش از همه مردم را دروغ‌گو می‌داند که خودش بیش از همه به آنان دروغ می‌گوید.

شخص مؤمن واقعی راستی را اگرچه به زیانش باشد بر دروغ، اگرچه به سودش باشد ترجیح می‌دهد و برای شناخت افراد نمی‌توان معیار را بر زیاد خواندن نماز و گرفتن روزه، حج کردن و احسان و ورد و ذکر شبانهٔ مردم قرار داد، چراکه محتمل است این اعمال را بر اثر عادت انجام دهد و چه‌بسا اگر این کارها را نکند حتی دل‌تنگ و ناراحت هم شود. بلکه از معیارهای درستی که می‌توان آن را برای شناخت افراد موردتوجه قرار داد راست‌گویی آنان است.

شخص، راست‌گو نخواهد بود مگر آنکه پاره‌ای از آنچه را می‌داند کتمان کند؛ چراکه در همه‌جا راست‌گویی مناسب نیست و از راست‌گویی‌های

نابجا می‌توان به خبر ناخوشایند دادن به مردی دربارهٔ خانواده‌اش، سخن چینی و... اشاره کرد.

۲- رفتار بر اساس حق:

منتظران رفتارشان بر اساس حق بوده، چراکه این نوع رفتار را برای هر عمل‌کننده‌ای نجات‌بخش دانسته و هر که در برابر این رفتار، سینه سپر کند نابود خواهد شد. از تقوای بالای شخص است که به حق رفتار کند چه به سودش باشد چه به زیانش.

مؤمن باید رفتارهایش با برادران دینی‌اش بر اساس حق باشد و به خاطر پدر و مادر و فرزند و... از این نوع رفتار منحرف نشود و نیز در خشم و خشنودی، رفتار به حق داشته باشد و هر جا بی‌عدالتی در رفتارها را دید جلوی آن بایستد و از پیامدهایش نترسد. رفتار به حق را از هر کسی که انجام داد چه از فرد کوچک یا بزرگ بپذیرد و نیز هر چند از دشمنش باشد قبول کند.

کسی که سینه‌اش تنگ باشد تحمل به جای آوردن حق را ندارد و یا فردی که هر لحظه به رنگی درمی‌آید و گاهی رفتارش به حق و گاهی به باطل می‌باشد و یا در رفتارهایش تند روی و یا کند روی دارد نمی‌تواند پیوسته با حق باشد.

در عصری که رفتار کنندگان به حق کم‌اند و در برابر حق فروتن نیستند و با توسل به شرّ و بدی و مخلوط کردن حق و باطل دنبال پیروزی هستند، ایستادگی در برابر اینان و شناخت حق کار دشواری است.

۳- راهنما به‌سوی خیر:

منتظران بهترین یاران برای دیگران به جهت راهنمایی آن‌ها به‌سوی خیر هستند؛ که با راهنمایی‌هایشان دیگران را از غرق شدن، سوختن، مجروح شدن و یا از کفر و گمراهی نجات می‌دهند؛ که بالاترین راهنمایی‌ها، هدایت به‌سوی نور و حق می‌باشد و هرگاه سخن حقی گفته شود که به سبب آن دیگران عمل کرده و نجات یابند، خود گوینده نیز همانند این پاداش عمل‌کننده را خواهد داشت.

آنکه را خدا بخواهد هدایت کند به‌وسیلهٔ بندگان خوبش به‌عنوان راهنما، هدایت می‌کند و الا هر که را که خدا گمراه کند راهنمایی‌های دیگران سودی به حال آن شخص نخواهد داشت.

۴- راغب بودن:

منتظران رغبتشان به آنچه در نزد خداوند متعال است می‌باشد و همین کار سبب جلب دوستی پروردگار می‌شود و از آن طرف به آنچه نزد مردم است بی‌میلی نشان می‌دهند و این کار سبب آن می‌شود که مردم آن‌ها را به سبب آنکه رغبتی به سرمایه‌هایشان ندارند دوست بدارند و وقتی

کسی به چیزی خواهان و خریدار است راغب به آن چیز می‌شود اما این بدون علت و سبب نیست و میل و رغبت‌ها از جهت کمی و کیفی با هم متفاوت‌اند؛ اما رغبت‌های نفسانی پایدار نیست چون پس از مدتی آفت می‌پذیرد و سست می‌گردد؛ ولی رغبت‌های معنوی آرام‌بخش و پایدار است و میل و رغبت است که آدمی را تحریک می‌کند و از میل، نیت و اراده برمی‌خیزد و اراده، عضلات را به حرکت وامی‌دارد و از حرکت عضلات، عمل انجام می‌گیرد.

۵- یکرنگی:

دوستی منتظران با برادرانشان، چون در راه خدا می‌باشد به یکرنگی می‌انجامد. و هر رابطه برادری‌ای که بر بنیاد فسق و فجور باشد به یکرنگی نمی‌انجامد. و در روز قیامت هم این نوع دوستان دشمن یکدیگرند جز پرهیزگاران؛ و نیز در آن روز پیوندهای خویشی بریده شود و همه برادری‌ها جز برادری خدایی از میان برود.

س

۱- آشکارگی در سلام:

یکی از کارهای نیک منتظران، افشاء سلام است و از آنجا که سلام یکی از نام‌های خداوند متعال است و در زمان دیدار با دیگران رواج دادن آن

کار نیکویی است، منتظران هم در سلام کردن پیش دستی داشته و هم آن را بین همهٔ مردم رواج می دهند؛ هر چند که خوب است اول کوچک تر به بزرگ تر، یک نفر به دو نفر، عدّهٔ کمتر به عدّهٔ بیشتر، سواره به پیاده، رهگذر به ایستاده و ایستاده به نشسته سلام دهد ولی از تواضع است که آدمی اول سلام کند.

هرچند که سلام کردن به بعضی افراد مانند آدمی که در حال مستی است یا کسی که در حال قماربازی می باشد، دشمنان دین اسلام، رباخوار، فاسق و ... نهی شده است، در هر حال بدون عذر خوب نیست که این کار ترک شود و از توصیه های دینی آن است که سلام دادن قبل از آغاز سخن باید باشد.

۲- پاسخ سلام:

منتظران وقتی برادران خود را می بینند به یکدیگر سلام می کنند و در مقام جواب سلام، یا همان گونه که به آنها سلام شده است جواب می دهند و یا بهتر از آن پاسخ سلام و تحیت او را می دهند؛ و نیز از تملق و چاپلوسی و افراط دوری می کنند و نیز هر چند سلام کردن مستحب است، ولی جواب سلام دادن، حتی اگر در نماز هم بودیم بر ما واجب است.

ش

۱- شب خیزی:

از دیگر خصائص نیک منتظران، بلند شدن از خواب در دل شب برای مناجات با محبوب خود است. چون هر دوستداری خلوت با محبوبش را دوست دارد، لذا آنان هم در زمانی که تاریکی شب همه جا را فراگرفت و سکوت حکم فرما شد با حبيب خود سخن می گویند چنانکه انگار او را می بینند و جویری او را مخاطب خود قرار می دهند که گویی در حضورش هستند و در دل شب با دلی شکسته و با افتادگی و فروتنی و با سرازیر نمودن اشک و سوز دل، دلداری خود را می خوانند و این کشش روحی آنان برای بلند شدن در نیمه های شب از نشانه های شدت علاقه و مراقبه آنان در طول روز و خود را در محضر او دیدن می باشد.

خود را در تاریکی های شب با عبادات و مناجات، ایستاده و نشسته، ناله کنان و گریان خسته می کنند، تا قرب و معیت به محبوب خود را کسب کنند.

۲- دوری از شیطان:

از امداد خدای متعال به منتظران آن است که شیاطین را به سبب کارهای خیری که می کنند از آنها دور می کند. از آنجایی که شیطان، دشمن

قسم خوردهٔ انسان است در جهت گمراه کردن و دنبال خیرخواهی ما نیست و نیز به صورت پنهانی در سینه‌ها نفوذ می‌کند و آهسته در گوش‌ها افسون می‌دمد و از وساوس و القائات او در امان نیستیم و در پیروی از خواهش‌های نفس، ما را یاری می‌کند و دنیادوستی را در نظرمان می‌آراید و مانع طاعت و تقرّبمان به خدا می‌شود و تعدادشان هم زیاد است و دام‌هایش را دائم برنهاده و نیز دشمنانمان را بر ضدّ ما تحریک می‌کند و از عوامل زن دوستی، شراب‌خواری، عشق به درهم و دینار و... کمک می‌گیرد برای گمراهی ما؛ و نیز افرادی از جنس آدم را بندهٔ خود می‌کند و امتحانی است برای آدمیان، پس باید برای نجات یافتن از شرّ او، زیاد دعا کردن، با نیّت درست به خدا پناه بردن، توکل نمودن، صبر در مشکلات، راضی بودن به مقدرات الهی، ذکر کثیر، صدقه دادن در جهت دفع شیطان، نخوردن غم و غصهٔ روزی و ... سرلوحهٔ کارمان باشد؛ و نیز از روزه گرفتن در جهت روسیاهی‌اش و صدق برای شکسته شدن پشتش و دوستی در راه خدا و استغفار و نماز و ... برای دور شدن کامل او کمک گرفت.

ص

۱- صلۀ رحم:

از واجباتی که منتظران به آن پای بند هستند، صلۀ رحم و دیدار خویشان می‌باشد. هر کس هراندازه هم که ثروتمند باشد از خویشان خود (در صورت صالح بودنشان) و حمایت عملی و زبانی آن‌ها از او بی‌نیاز نیست. آنان بزرگ‌ترین گروهی‌اند که از انسان پشتیبانی می‌کنند و پراکندگی و پریشانی او را از بین می‌برند و در مصیبت‌ها و حوادثی که برایش پیش می‌آید بیش از همه به او مهربان و دلسوز هستند و هیچ‌چیز پیوند خویشاوندی را از بین نمی‌برد برخلاف روابط اجتماعی دیگر.

از آثار صلۀ رحم می‌توان به طول عمر، زیاد شدن روزی و از بین رفتن فقر، نگه‌داشته شدن از مرگ بد، پاک شدن اعمال، دور شدن بلا، نیکو شدن خلق و خو، سخی شدن و... اشاره کرد. صلۀ رحم را نباید ترک کرد ولو به یک سلام کردن نیکو یا جواب سلام دادن و یا نوشاندن جرعه‌ای آب باشد و نباید با خویشاوندی که از ما قطع رحم کرده، ما هم از او بُریم، بلکه باید پیوند را ایجاد کنیم و بدانیم که قوی‌ترین کس در صلۀ رحم کسی است که با خویشاوند بریده از خود، پیوند برقرار کند و اگر خویشاوندان را رها کنیم خدا هم ما را رها می‌کند و همان‌طور که قطع

رحم مرگ را تسریع می‌کند، ثواب صلۀ رحم هم زودتر از ثواب هر کار خیر دیگری می‌رسد.

ع

۱- عزم راسخ:

یکی از ویژگی‌های منتظران، داشتن عزمی راسخ در جهت پرورش کرامت انسانی و مجاهدۀ نفسانی است. عزم یعنی تصمیم و بناگذاری بر ترک معاصی و انجام واجبات و جبران آنچه از او فوت شده است. تفاوت درجات انسان‌ها به تفاوت درجات عزمشان می‌باشد؛ و از آنجا که کسی اگر اراده و عزمش مرده و یا ضعیف باشد در معرض خطر و سقوط بوده و یا حتی اولین گام‌های خودسازی را نمی‌تواند بردارد، پس لازم است با عزم آهنین وارد بر این مجاهدات شده و برای پیدا کردن این عزم، نیاز به بیدار شدن از خواب غفلت، پیدایش شوق مؤکد یا احساس قوی، تقویت انگیزۀ بندگی، مبارزه با عادات، تلقین به نفس، عبادت، رفاقت با دوستان دینی و برنامه‌صحیح داشتن است و از علت‌های سستی اراده می‌توان به ضعف اعتقادی و معرفتی، گناه کردن، عدم روحیۀ تسلیم و بی‌توجهی به عبادت، تمرین نداشتن بر امور نیکو مانند نماز، خوردن لقمه‌های حرام و شبهه‌ناک، هم‌نشینی با دوستان ناباب، اثرگذاری

تبلیغات مسموم دشمنان دین بر شخص، نداشتن الگوی مناسب و... اشاره کرد.

غ

۱- غیرت:

غیرت منتظران از ایمانشان بوده و بی‌غیرتی از نفاق است. غیرت افراد، به اندازه تعصب و ننگ داشتن از کارهای زشت بستگی دارد و شخص غیور کارهای ناپسندی مانند زنا را انجام نمی‌دهد و اگر مردی غیرت نداشته باشد نشان از آن دارد که واژگونه دل (زیبا بیننده زشتی) است؛ و نیز باید از غیرت بیجا نسبت به زنان پرهیز کرد؛ چرا که تأثیرات نامطلوبی را خواهد داشت.

ف

۱- فروتنی:

از دیگر صفات ممتاز منتظران، آنکه خود را در برابر خدا و خلق خدا پایین‌تر از موقعیت خود قرار می‌دهد و همین فروتنی و فرو روحی، باعث خوش برخوردی و فراوانی دوستان و بالا رفتن مقام شخص در پیشگاه خدا می‌شود و البته فروتنی به معنی خواری و ذلیل نشان دادن خود

نیست، که مورد نکوهش قرار گرفته است. و نیز عدم فروتنی نشانگر بیماری و عدم صفای درونی و غرور شخص می‌باشد و از آنجا که مرز بین بعضی از فضائل و رذایل بسیار باریک است مانند مرز بین ذلت و تواضع، عزت و تکبر و...، باید ضابطه و معیارها را شناخت تا مرزها نیز شناخته شوند و به جای تواضع به ذلت و خواری یا به تملق تن در ندهد؛ و نیز باید به استثناها توجه داشت، چراکه در بعضی موارد تواضع کردن، نابجا شمرده شده و به جایش تکبر خوب است؛ مانند صحنهٔ جنگ با دشمن، که باید مغرورانه در برابر آن‌ها عمل کرد تا باعث ازدیاد ترس در قلب آن‌ها گردد و صفات اخلاقی دارای دو طرف افراط و تفریط هستند که تواضع، حد وسطش و تکبر، افراط آن و پذیرش ذلت و پستی، تفریط آن می‌باشد و مدح و ستودن بیش از حد شایستگی از روی تواضع، تملق و چاپلوسی می‌باشد و همچنین پابوسی، هم در اسلام نهی شده است.

۲- فراموشی بدی‌ها:

یکی از کارهای شایستهٔ منتظران آن است که بدی‌های دیگران نسبت به خود را فراموش می‌کنند. از آنجا که انسان‌ها در معرض خطا و اشتباه‌اند، نباید به سبب محتمل بودن بدی از دیگران، ترک معاشرت داشت و همچنین از کارهای پسندیده است که اگر به ما بدی شد، آن‌ها را بخشیده و بالاتر از آن، اینکه اعمال بدشان را نیز فراموش کنیم و این از بخشیدن تنها و عدم فراموشی از کارهای ناپسندشان نسبت به ما، بهتر است و برای تقویت این صفت پسندیده خوب است که حتی خوبی

هایی هم که به دیگران کرده‌ایم را فراموش کنیم و نیز سعی در توجیه عملشان داشته و در ذهن خود کردار بدشان را مرور نکرده و برای دیگران هم نقل نکنیم و این عمل باعث پایدار شدن دوستی‌ها می‌گردد.

ق

۱- خواندن قرآن با توجه:

از آنجا که قرآن مایهٔ فرونشاندن عطش دانشمندان و شاهراه درستکاران و دارویی برای دردهایی مانند: کفر، نفاق، تباهی، گمراهی و... و باعث بصیرت، فراخی سینه‌ها، نورانی شدن درون و نیز دارای اندرزها و توصیه‌های فراوان و بودن اخبار و علوم پیشینیان و آیندگان و خبرهای آسمان و زمین و... می‌باشد، منتظران قرآن را تلاوت کرده و به غیر از مرور آیاتش در ذهن، معانی آن را فهمیده و در آن اندیشه می‌کنند. برای فهم بیشتر قرآن باید طهارت ظاهری و باطنی داشت و مثل قاریانی نباشیم که به غیر از الفاظ و کلماتش به چیز دیگری توجه ندارند و از آنجا که قرآن به غیر از عبارت، اشاره و لطایف و حقایق دارد بسیار تأمل می‌باید کرد.

۲- قبول شدن در آزمایش‌ها:

خدای متعال منتظران را دوست دارد و برای بالا بردن درجات آنان، آن‌ها را به بلاهای بزرگ مبتلا می‌سازد و بزرگی پاداش همراه با بزرگی بلاست؛ چون منتظران بلاها را برای خود آزمایش الهی می‌دانند، صبر را پیشه کرده و خشنود به رضای الهی هستند؛ و همین استقامت و بردباری و... آنان باعث پیروزی در امتحانات و رسیدن به پاداش الهی و درجات بالاتر است.

ک

۱- کرم ورزی:

منتظران کرم داشتن نسبت به دیگران را دوست دارند. آدم‌هایی در جامعه هستند که بخیل‌اند، یعنی فقط خودشان از داشته‌هایشان استفاده می‌کنند و به دیگران چیزی نمی‌دهند و یا لئیم‌اند و نه خودشان از داشته‌هایشان استفاده می‌کنند و نه به دیگران چیزی می‌دهند و البته افرادی هم هستند که سخی می‌باشند، به این معنا که هم خودشان از دارایی‌هایشان استفاده می‌کنند هم به دیگران بخشش دارند؛ منتظران گاهی کرم ورزی دارند، به این معنا که گاهی خودشان هم از دارایی‌هایشان استفاده نمی‌کنند و آن‌ها را به دیگران می‌دهند. البته در بخشش و صدقه باید اموات و

خویشاوندان در اولویت باشند و بعد از آن به گرفتاران و بعد به عموم مردم کمک کرد؛ و نیز خیلی افراد بخشش‌هایشان از چیزهایی است که به آن شیء علاقه یا نیازی ندارند، درحالی که بهترین انفاق‌ها آن انفاقی است که آن چیز را دوست داشته، ولی همان را هم بدون منت در راه رضای خدا ببخشند.

۲- کاردانی:

منتظران در امور معرفتی و دینی، آگاه و کارشناس و بصیر و با تجربه هستند و در جریان خودسازی و حرکت نفسانی خود برخی از کارها را با کرامت و ارجمندی و مقام انسانی خویش ناسازگار می‌یابند و بعضی کارها را هم مایه بزرگواری خود می‌دانند، کارهایی که به او شخصیت روحی می‌دهد و بر ارج و قرب او می‌افزاید. مثلاً می‌دانند حسد آدمی را در درون خود زبون می‌کند و راه‌های دفع و رفع و پیشگیری و درمان آن را به خوبی واقف هستند و یا می‌دانند کارهایی از قبیل احسان، گذشت، عفاف و استقامت در خود چه آثار مثبتی را به همراه دارد و راه تقویت و حفظ آن را مسلط هستند و در مجموع به آن اموری که باعث قرب به محبوب خود می‌شود آگاهی کامل داشته و اشخاصی آزموده و خبیر هستند و نیز می‌توانند دیگران را در این مسیر راهنمایی کنند.

۳- کمک‌کاری:

از دیگر صفت‌های روحیه‌بخش منتظران، کمک‌کاری به دیگران و توجه به سرنوشت برادرانشان هست؛ که آن‌ها با کمک کردن خود به اشخاص اندوهگین و گرفتار، باعث رفع مشکلات و یا کم شدن آن می‌گردند؛ و از آنجا که در بعضی کارها بدون کمک دیگران، آن برنامه‌ها ناقص می‌شود نیاز است که مؤمنان کمبودش را به مانند پدری که کمبودهای فرزند بالغش را در زندگی جبران می‌کند، جبران و ترمیم کنند، و باید به اندازه قدرت و توانایی خود، چه در باطن و چه در ظاهر، با دل و دست و زبان خود به برادرانشان در اموری که مضطر و ناتوان شده، کمک کنند. و کمک‌کار مستضعفین و مظلومان باشند نه آنکه به مستکبرین و گردن‌کشان و دشمنان دین کمکی کنند که موجب تضعیف اسلام گردد. و این کارهای پسندیده باعث شادی دل و محبوبیت و ریزش رحمت الهی و برطرف شدن مشکلات خود کمک‌کننده می‌شود.

۴- کارهای والا:

از آنجا که در هر زمانی کاری مناسب با آن زمان وجود دارد، منتظران به دنبال کارهای والا و شریف هستند و کارهای پست و حقیر را همان‌گونه که محبوبشان ناخوش می‌دارد آن‌ها هم اکراه دارند. البته با توجه به علم و آگاهی هر شخصی کارهای ارجمند برای هر کس با دیگری ممکن است متفاوت باشد و نیز برای انتخاب کارهای عالی، باید به توان جسمی

و مالی، عادات، توانمندی‌های روحی، ابزار و وسایل، قوانین و فرهنگ عمومی، و خلاصه مجموعه امکانات مادی و معنوی نگریست و نیز نباید توقع داشت تمام شرایط و امکانات آماده گردد تا کاری انجام دهیم، بلکه می‌بایست از امکانات موجود بهره گرفت و کارهای بزرگ و پر ارج و قربی انجام داد؛ چراکه تأمین شرایط ایده آل و امکانات کامل، آرزویی دست نیافتنی است. پس نباید عمل را به تأخیر انداخت و تصور نشود که جز افراد معدودی، مابقی نمی‌توانند دست به کارهای بلند و والا بزنند؛ و نیز فقط صرف انجام کاری بدون کیفیت خیلی ارزشمند نیست، چراکه کیفیت کار از کمیت آن مهم‌تر است و از شرایط دیگر ارزش عمل به تقوای در عمل، خالص بودن آنها از آلودگی و پاک بودن آنها از هدف‌های غیر الهی است.



۱- گشاده‌رویی:

از خصائص منتظران، به جهت به دام انداختن دیگران بر دوستی برای خدا و یا دوام و نشاط آن، گشاده‌رویی است که خود از حسناتی است که باعث از بین رفتن ترش‌رویی، غم، کدورت و دشمنی، و باعث ایجاد الفت و محبت و قرب به خداوند می‌شود. گشاده‌رویی همان نفس انبساط یا باز بودن چهره و صورت است که علاوه بر آنکه کمیت جذب افراد را

افزایش می‌دهد کیفیت آن را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و از آن طرف ترشرویی با انقباض عضلات صورت انجام می‌گیرد که نمی‌تواند جاذب مردم باشد و انسان‌ها بیش از آنکه به صدقات مالی کسی نیاز داشته باشند، به روی گشاده و خوش دیگران نیاز دارند. پس مؤمن باید به‌گونه‌ای باشد که حزنش را در دل داشته و در برخورد با دیگران به‌گونه‌ای باشد که غم و اندوه را از آن‌ها بزداید و با چهره‌ی گشاده زندگی را برای دیگران شیرین و شاد کند مخصوصاً در دیدار با خویشاوندان.

۲- گذشت کردن از لغزش‌ها:

یکی از بهترین صفات منتظران، گذشت کردن از لغزش‌های برادرانشان است. باید برای لغزش‌ها و تقصیرات پیش‌آمده برادران دینی، عذری پیدا کرد. اگر هم عذری پیدا نشد این‌گونه به خود بگوییم که از ناآگاهی ما نسبت به جلوه‌ها و جنبه‌های عذر است و با وجود لغزش برادر، با او به مهربانی رفتار کرده و حرمت دوستی دیرینه‌اش را نگه داشت و از آنجا که انسان خردمند نیمش بردباری و نیم دیگرش چشم‌پوشی است، به این نکته پی می‌بریم که باید تحمل و سعه‌ی صدر بالا داشت و از سرزنش بسیار، خودداری کرد.

ل

۱- طلب لقاء امام:

زندگی منتظران جزو زندگی‌های گواراست چراکه یاد امام از آن‌ها کاسته نمی‌شود و عطایای امام را فراموش نمی‌کنند و حق ایشان را نادیده نمی‌گیرند و شب و روز جویای خشنودی حضرت هستند و خواستهٔ امام را بر خواستهٔ خود مقدم می‌دارند و قلبشان را از هرچه ایشان ناخوش می‌دارد، می‌زدایند. منتظر واقعی شیطان و وسوسه‌هایش را دشمن داشته و برای شیطان بر قلبش راهی نمی‌گذارد، و این امور سبب می‌شود که امام هم در قلبش محبتی بنهد و قلبش را از خود بسازد و فراغت و اشتغال و اندیشه و سخنش را از عطایای خود که به دوستانش داده، بگرداند و چشم و گوش و قلبش را بگشاید تا آنکه با قلبش بشنود و به عظمت امام پی ببرد و دنیا برایش پست و ناچیز شمرده شده و لذت‌هایش را مبعوض داشته و چنان شود که از مردم گریخته و خواهان لقاء امام باشد و از عطایای امام به آن‌هاست که یادی که فراموشی با آن در نیامیزد را اهدا کند و محبتی که با آن، محبت آفریدگان را بر محبت امام مقدم ندارد، و با این دوست داشتن‌ها، امام هم او را دوست می‌دارد و دری برای سخن گفتن و رازگویی با او برایش باز می‌کند؛ و این‌ها عواملی می‌شود که منتظران مشتاق محبوبشان شده و در رفتن به سویش می

کوشند. یاد کردن برای یادآوران و دیدار امام برای شیفتگان می‌باشد. و درد اشتیاق را در سینه‌شان با دیده شدن رخسار بزرگوارشان درمان کند. مشتاقان دیدار، کسانی‌اند که دل‌هایشان از هر نوع کدورتی پیراسته شده و حجاب از جلوی دل‌هایشان برداشته شده و از دل‌هایشان راهی به سوی امام گشوده شده که از آن به امام می‌نگرند و هر روز بر شوقشان افزوده می‌شود و برچیده شدن بساط دنیا و نیز ناخشنودی خلق برایشان زبانی ندارد.

و کسانی که شیرینی محبت امام را چشیده‌اند و با نزدیکی به او انس گرفته‌اند و برای دوستی او خالص شده‌اند، هیچ‌گاه خواستار جابه‌جایی از کنار حضرتش را نیستند و دیدار حضرت و نگریستن به رخسار ایشان، خود هدیه‌ای بزرگ برایشان است که با هیچ‌چیزی قابل مقایسه نمی‌باشد. آنانی که یاد امام با الهام به آن‌ها صورت می‌گیرد و آتش محبتشان با دمیدن امام بر آن شعله‌ور می‌گردد و حکمت را از راهی جز راه حکیمان و علم را از راهی جز راه عالمان و صدق را از راهی جز راه صدیقان کسب نمی‌کنند زندگی‌هایشان بر مدار لقاء و دیدار دائمی در این دنیا و در آن دنیا می‌باشد.

م

۱- مدارا:

از پسندیده‌ترین ویژگی‌های منتظران، مدارا کردن آن‌ها با مردم است و مدارا از جهت معنی نزدیک به رفق است زیرا مدارا نرمی و ملایمت و حسن معاشرت با مردم و تحمل ناگواری و آزار آن‌هاست. گاهی بین رفق و مدارا می‌توان تفاوتی قائل شد به این اعتبار که در مدارا تحمل آزار مردم هست و در رفق نیست و مدارای با مردم سرلوحهٔ خرد و سرآمد حکمت است و برای کشاندن و جذب دشمنان و مخالفان دین باید از مدارا کمک گرفت و نیز باعث حفظ خود و برادران از گزند آنان می‌شود. به‌طور خلاصه می‌توان از ثمرات مدارا به از بین رفتن کینه‌ها، سالم ماندن از نیرنگ‌های دشمنان، سلامت دین و دنیا و... اشاره کرد.

۲- امام را محبوب کردن:

منتظران، امام را به سبب نعمت‌ها و عطایایی که به آن‌ها داشته، دوست می‌دارند و با ذکر این نعمت‌ها از جانب امام، چه به خود چه به همهٔ مردم، او را محبوب بندگان خدا می‌کنند؛ چراکه مردم کسی را که به آن‌ها نیکی نموده باشد را دوست می‌دارند و نیز با ذکر این عطایا مردم از غفلت و

جهل و فراموشی بر کنار رفته و هم به یاد حضرت افتاده و هم به خوبی ها و نعمات او پی می‌برند.

۳- نهی از منکر:

یکی از اعمالی که توسط منتظران انجام می‌شود تا مبدا دین و آیین الهی برچیده شود نهی از منکر دیگران است. سستی و مسامحه در این امر یا از ضعف و کوچکی نفس است یا از طمع مالی؛ پس از ردایل قوه غضب از جانب تفریط یا از ردایل قوه شهویه از جانب افراط است و برای عدم ضلالت و گمراهی و هلاکت بندگان، نباید این امر ترک شود و ملامت و سرزنش دیگران نباید تأثیری در انجام این عمل برای ما داشته باشد. و الا بازار فساد رونق پیدا می‌کند و برکات آسمان و زمین از ما گرفته می‌شود. البته در جاهایی که آدمی قدرت بر جلوگیری و نهی از آن منکر را ندارد لازم است بدون ضرورت، مشاهده منکر و گناه را نکند که جایز نیست و نیز لازم است نهی کننده، خود دانا به منکر باشد و نیز اگر احتمال تأثیرگذاری را می‌دهد بر او واجب است که نهی از منکر کند و نیز اگر خوف ضرر به خود یا مسلمین را داشت بر او نهی از منکر لازم نیست، البته اگر راه‌های دیگری را برای جلوگیری از فساد می‌داند از آن راه‌ها استفاده کند و نیز شخص ناهی باید آشنا به تفاوت و درجات مردم در فهم و تأثیرگذاری باشد و نیز به مکر نفس و شیاطین آگاه بوده و نیتش از این عمل برای خدا باشد و لازم هم نیست شخص ناهی حتماً خودش عادل و یا عامل بوده باشد؛ منکرات یعنی اعمال ناشایسته، بسیار

و بی‌شمارند و از آن جمله می‌توان به دروغ گفتن، کم‌فروشی، معاملات فاسد، داخل کردن نجاست در مسجد، بدعت در دین، قتل، زنا، شراب‌خواری، نظر به نامحرم، حرام‌خواری، نماز در مکان غصبی، وضو و غسل از آب حرام، تصرف در مال وقف و... اشاره کرد و اگر برای مؤمن دین‌داری ممکن باشد که همه یا بعضی از این منکرات را دفع و منع کند نباید سکوت کند و با دست و دل و زبانش این امر را انجام دهد.

۴- متمسک به رحمت:

منتظران به رحمت خداوند و امامشان نسبت به خود متمسک می‌شوند. رحمتی که جنبه عمومی دارد شامل همه انسان‌ها اعم از مؤمنان و کافران می‌گردد. اما رحمت رحیمیه، رحمتی است که تنها پرهیزگاران و نیک سیرتان از آن بهره‌مند می‌شوند. و آدمی با انجام دادن کارهایی مانند نیکی کردن به دیگران، جهاد در راه خدا، فرمان‌بری از امام و... خود را بیشتر در معرض رحمت قرار می‌دهد. پس باید تلاش کرد که جزو افرادی که از رحمت خاصه (به مانند دوست خاص حضرتش شدن، گرفتن شراب معنوی و فیوضات دیگر از دست مبارک ایشان و...) هم بهره‌مند هستند، شویم.

۵- بر خود مقدم داشتن:

از صفات ایثارگرانه منتظران آن است که دیگران را بر خود، هرچند به چیز اندک مقدم می‌دارند و با این طریق می‌توانند تکیه‌گاهی برای

محرومان و نیازمندان باشند، چراکه آنان احساس می‌کنند در همهٔ احوالات به‌مانند گذشتن از جان، مال، مقام و... کسی هست که حواسش به آن‌ها بوده و کمبودهای آن‌ها را جبران و یا ترمیم کند و افرادی که خودخواهی و خودپرستی دارند طبیعی است که در این زمینه ناموفق خواهند بود و نیز دل‌بسته بودن به دنیا، حبّ مال، بخل، حرص، تکبر و امثال این‌ها نمی‌گذارد، که شخص دیگران را بر خود مقدم بدارد. البته نباید ایثار شخص سبب ناراحتی و فشار بر فرزندان خودش شود و نظام زندگی‌اش را به خطر بیندازد و نیز خواست الهی را بر هوای نفسش مقدم کند. از آن طرف افرادی هم هستند که این ایثار و از خودگذشتگی را در راه باطل انجام می‌دهند به‌مانند کسی که ثروتش و جانش را در راه تقویت باطل بکار می‌برد.

۶- ملایمت:

از خصلت‌هایی که منتظران در برخورد با مردم در رفتارشان دیده می‌شود، ملایمت و نرم‌خویی است و هر که را ملایمت قسمتش شود ایمان نیز قسمتش می‌شود، چراکه قفل ایمان ملایمت است؛ و باید از افراط و سخت‌گیری‌ها در دین پرهیز نموده و نیز حتی در عبادت کردن، با نفس خود باید ملایمت کرد و به زور وادارش نکرد و همچنین نباید عبادت خدا را به غیر از ضرورت بر دیگران تحمیل کرد.

از ثمرات ملایمت می‌توان به فزونی، برکت، آشتی، آسان شدن دشواری‌ها، ساده شدن چاره‌جویی‌های سخت، بارور شدن صلاح و گرمی شدن اشاره کرد و هر که در کارهای خود ملایمت داشته باشد به آنچه از مردم می‌خواهد دست یابد و رأس حکمت، ملایمت و مداراست. و هر که فکرش به جایی نرسد و در چاره‌جویی در ماند، ملایمت، کلید گشایش مشکل او باشد و حتی در خیلی از جاهایی که خشونت لازم است لازم است مقداری ملایمت را با آن در هم آمیخت.

۷- میانجی‌گری:

از کارهای نیکویی که توسط منتظران انجام می‌گیرد میانجی‌گری یا همان پادرمیانی و وساطت است؛ که آن‌ها برای افرادی که در دنیا کارهای اشتباه کردند و اظهار توبه نمودند، وساطت نموده و در حق آن‌ها دعا نموده و با تصرف از خدا طلب آمرزش و سعادت برای افراد می‌کنند. در حقیقت میانجی‌گری برای رساندن نفع و یا دفع ضرر است و یا در بین دو نفر که کدورت پیش آمده است، پادرمیانی کرده و آن‌ها را با هم آشتی و صلح می‌دهند و یا در دیگر امور خیر مثل ازدواج، رهایی از زندان، تبعید، شکنجه، طلاق، دعوا، طلب کمک و هزاران امور دیگر با وساطت خود مشکلات افراد را برطرف می‌کنند.

۸- متمسک به برترین اعمال:

منتظران در جهت پیشرفت معنوی خود و رسیدن به بالاترین مراتب ایمان، از برترین اعمال کمک می‌گیرند. و برترین اعمال، استوارترین آن‌ها و بادوام‌ترین آن‌ها است هرچند اندک باشد. و نیز از جمله افضل اعمال می‌توان به دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا، اطعام کردن، نیکو سخن گفتن، ایمانی که در آن شک نباشد، تصدیق او، جهاد در راه خدا، حج پذیرفته شده، بخشندگی، خوش‌خویی، خواندن نماز در وقت آن، توکل، راضی بودن به آنچه قسمت ماست، یقین، ورع و... اشاره کرد.

ن

۱- نیایش گری:

یکی از صفات کلامی منتظران، نیایش کردن با محبوب خود است؛ که برای رازگویی و عرض نیاز و حاجت به همراه شکر به در خانه محبوب در دل شب یا در وقت‌های دیگر می‌روند و یا می‌تواند برای اعتراف به اشتباهات و یا شدت محبت باشد؛ و خوب است نیایش، با قلبی خاضع و خاشع و نیز با سوز دل و اشک، صورت بگیرد. که این کار باعث روشنی دل و برطرف شدن مشکلات و حفظ ارتباط و قرب به محبوب می‌شود. و با این عمل محبوبش را به‌عنوان هم صحبت و یار خود قرار داده و

زمزمه‌های عاشقانه‌ای را از خود بروز می‌دهد که این‌ها نشانه آن است که محبوبش به او اجازه هم‌صحبتی و نیایش را داده است.

۲- حفظ نماز:

از مراقبت‌های ویژه منتظران، حفظ نماز در وقتش می‌باشد. از آنجا که نماز دژی در برابر یورش‌های شیطان است و نیز موجب فرود آمدن رحمت و تقرب به خدا می‌شود و نیز باعث آمرزش گناهان و باز داشته شدن از کارهای زشت می‌گردد لازم است به غیر از حضور قلب داشتن در نماز که از مهم‌ترین شرایط قبولی نماز است مواظبت بر اوقات نماز هم داشته باشیم و نباید چیزی از امور دنیا ما را از اوقات نماز باز بدارد و یا بی‌دلیل و بدون عذر نماز خواندن را به تأخیر بیندازیم، چراکه همیشه اول وقت خواندن نماز از خواندن در بقیه وقت‌ها بهتر است و برکاتی که در اول وقت وجود دارد در آخر وقت وجود ندارد و از آنجا که همه چیز تابع نماز و عبادات ماست، اگر نماز را به هراندازه ضایع کنیم بقیه کارهایمان را هم بیشتر از آن ضایع خواهیم کرد و چه خوب است که آدمی نمازش را بدون کبر و بدون سبک شمردن آن و با حضور قلب و انجام آداب آن و با حالت طرب و عدم خواب‌آلودگی در وقتش بخواند تا پاداش کامل را از خداوند متعال دریافت کند و اگر دید حال خواندن نماز در سر وقت آن ندارد بازبینی در اعمالش داشته باشد که چه بسا با غیبت کردن از دیگران و یا آزردن والدین و یا خوردن شراب و... این توفیق از او سلب شده است.

۴- نیک خواهی:

در مردمی که نه خود نیک خواهان اند و نه نیک خواهان را دوست دارند، خیری نیست و محبوبترین مردم نزد ما باید شخص مهربان نیک خواه باشد کسانی که نیک خواهی برای مساکین، یتیمان، بی سرپرستان، ارحام، در راه ماندگان و... دارند؛ و بعضی از این نوع افراد یا ذاتاً اهل خیر و نیکی هستند و یا آن را اکتساب کرده اند و بعد برایشان ملکه شده است. و در نیکی به مردم دنبال شهرت و ستایش دیگران نیستند و چون تعلقی به دنیا ندارند لذا نیک خواهی های آنان با عمل همراه است.

۵- برآوردن نیاز دیگران:

منتظران در امورات و نیازمندی های مسلمین بی توجه نیستند و نه بخل ورزیده و نه کوتاهی می کنند؛ بلکه سعی و کوشش هر روزه آنان در برآوردن مقاصد و مهمات آنها ستودنی است و سبقت گیرندگان در نیکی و خیرسانی به رفع مشکلات مردم هستند و اثرات و پاداش بسیار زیادی در جهت برآوردن نیاز مسلمین اعم از اطعام و سیراب کردن و پوشاندن و شاد کردن مؤمن گفته شده است.

۶- به نیکی دیگران را یاد کردن:

از جمله حقوق دوستی، که منتظران آن را رعایت می کنند، به نیکی یاد کردن از برادرانشان در زمان غیبت و نبودشان است و باید در غیاب آنها

به بهترین شکلی که دوست داریم در نبودمان از ما یاد شود آن‌ها را یاد کنیم.

و

۱- وفاداری:

از نشانه‌های ایمان در منتظران وفای به عهد است؛ که اگر عهدی یا قراردادی با محبوب خود یا دیگران می‌بندند پیمان شکنی نمی‌کنند و کسی که وفادار است دارای شرافت، بزرگواری و صداقت بوده و در دین‌داری قوی می‌باشد و بالاترین صداقت‌ها وفای به پیمان‌هاست که حق و حرمت مردم حفظ شده و زیور برادری می‌باشد و با خوش‌وفایی است که نیکان شناخته می‌شوند و هر که خوش‌وعده باشد شایسته‌ترینش برای دوستی است چراکه از نشانه‌های شناخت مؤمن به غیر از امانت‌داری و صداقت، وفای به عهد می‌باشد و به کسی که عهدشکن است و یا خائن بوده و نیز شاهان ستمگر و یا انسانی که به تنگ آمده، نباید در جهت وفای به عهدشان اعتماد کرد و اگر کسی پیمان‌ش را نسبت به ما شکست آن وقت می‌توان عهد خود را شکست و الا هیچ‌کس در وفای به عهد با شخص نیک یا بد، معذور بر عدم وفا نیست.

۱- هدیه دادن:

از کارهای زیبای منتظران، هدیه دادن به مؤمنان و برادران دینی است. هدیه باعث بیشتر شدن محبت، حفظ برادری و رفتن کینه‌ها و نفرت از دل می‌گردد. از احترام مرد به برادرش آنکه، هدیه او را بپذیرد و از همان چیزی که نزد خود دارد به او هدیه دهد و نگرفتن هدیه دیگران، باعث تحقیر آنان شده و کار ناپسندی می‌باشد و نیز خوب است که در مقابل هدیه آنان، ما هم چیزی به آن‌ها هدیه کنیم و نیز حتی به کسی که بخشش و هدیه خود را از ما دریغ می‌دارد هدیه دهیم و یا اهدایی داشتن به اماکن متبرکه و ...

هدیه سه گونه است: هدیه جبرانی، هدیه رشوه‌ای و تملق آمیز (که باید از گرفتن این نوع هدایا خودداری کرد)، هدیه به خاطر خدا؛ و از بهترین هدایا، سخن حکیمانه‌ای است که بر هدایت دیگران افزوده و آن‌ها را از هلاکت نجات دهد و نیز کسی که هدیه خود را پس گیرد مانند کسی است که استفراغش را بخورد.

۲- همسایه داری:

منتظران، نیکو همسایگانی برای دیگران هستند چراکه نشانه‌های حسن همسایگی در آن‌ها مشهود است. آنان از احوال همسایه خود جويا می‌شوند و باعث آزار و اذیت همسایه نمی‌گردند و در برابر آزار و اذیت همسایه شکیبایی به خرج می‌دهند، اگر همسایگانشان کالایی از آنان بخواهند خیر خود را از او دریغ نمی‌کنند و هیچ‌وقت سیر نمی‌خواهند درحالی‌که همسایه‌اش گرسنه باشد یا شب پوشیده بخوابد درحالی‌که همسایه‌اش برهنه باشد. نیاز همسایه را با قرض یا بخشش و... برطرف می‌کنند. اگر همسایگانشان مصیبت‌زده هستند آن‌ها را دلداری داده، و اگر خیری به آنان رسید به آن‌ها تبریک گفته، اگر بیمار شدند به عیادتشان می‌روند و اگر کسی از همسایگان مُرد در تشییع جنازه‌اش شرکت می‌کنند. در غیابش آبرویشان را حفظ و در حضورشان آنان را احترام می‌کنند و اگر به آن‌ها ستمی شد یاری‌اش می‌کنند و دنبال عیب‌هایشان نمی‌گردند و اگر بدی از آن‌ها دیدند می‌پوشانند و در سختی‌هایشان رهایشان نمی‌کنند و از لغزششان درمی‌گذرند و بزرگوarانه با آنان برخورد می‌کنند و در نهان آن‌ها را نصیحت می‌کنند و... و این کارهای خیر باعث ازدیاد خدمتگزاران و همسایگان، طول عمر، افزایش رزق و آبادی خانه‌ها می‌گردد.

همسایه تا چهل خانه از چهار طرف را شامل می‌شود و باید قبل از خرید خانه، از رفتار همسایگان پرس‌وجو کرد، چراکه هرچند گفتیم که باید از

اذیت همسایه شکبیا بود، ولی همسایهٔ بد از بزرگ‌ترین رنج‌ها و سخت‌ترین بلاهاست. همسایهٔ بدی که دلش رسوایی ما را می‌خواهد و اگر خوبی هم ببیند آن را پوشانده و فاش نمی‌کند و یا اگر بدی دید آن را آشکار و همه‌جا پخش می‌کند و اذیتش هم دائمی است، این نوع همسایه‌ها اگر کنارمان ماندگار باشند کمرشکن بوده و باید سختی‌های فراوانی را از ناحیهٔ آن‌ها تحمل کرد.

۳- همدردی در خوشی و ناخوشی:

منتظران در دوستی‌های خود از راست‌ترین برادران می‌باشند؛ چراکه در خوشی و ناخوشی با برادران خود با جان و مال خود بیشتر همدرد و غمخوار هستند و دوستشان را در دردها، محرومیت‌ها، مشکلات، تنگناها، آوردگاه‌های سخت و یا حتی در آسایش تنها نگذاشته و از کمک‌رسانی به آنان دریغ نمی‌دارند. پس باید به دشواری‌های زندگی دیگران ولو بدون هیچ درخواست کمکی، توجه داشته باشیم و در حل آن‌ها با بخشیدن مال و یا با ایثار (ترجیح دادن آن‌ها بر خود در چیزهایی که خود به آن نیازمندیم) و یا شریک شدن در رنج کارهای دشوار و یا با مهرورزی و محبت با برطرف کردن اندوه، گرسنگی و... آنان کوشا باشیم و آنچه را برای خود می‌پسندیم برای آن‌ها هم بپسندیم و آنچه را برای آن‌ها نمی‌پسندیم برای آن‌ها هم نپسندیم؛ یعنی سختی و آسایش آنان را سختی و آسایش خود تلقی کنیم.

۴- هدیه کردن عیبا:

از دیگر کارهای خداپسندانه منتظران آن است که عیب‌های دیگران را به آن‌ها هدیه می‌کنند؛ پس باید برگزیده‌ترین مردم نزد ما آن کسی باشد که عیوبمان را به ما هدیه می‌کند و آنچه رامایه صلاح و سازندگی‌مان است، به ما گوشزد کند و این شخص دوست صمیمی ماست و آنکه عیب‌هایمان را مخفی می‌کند و بدون عذری به ما نمی‌گوید و یا پشت سرمان عیب‌گویی ما را می‌کند، او دشمن ماست و نیز یکی از عللی که باعث می‌شود که شخص عیب برادرش را پیش رویش نگوید به خاطر آن است که می‌ترسد او نیز عیبش را روبرویش بگوید و این نوع دوستی‌ها بوی دوستی اخروی را نمی‌دهد؛ درحالی‌که شناخت آدمی از عیب‌هایش سودمندترین شناخت‌هاست. همچنین عیب‌پوشی دیگران در جاهایی مناسب است؛ و نیز بد می‌باشد که به عیوب دیگران پردازیم و از عیوب خود غافل باشیم.

ی

۱- یاری خواستن از امام:

منتظران در تمام امورات زندگی خود به جهت مواجه نشدن با گناه و حتی غفلت، نسیان، جهل و خطای غیرعمدی از امام خود طلب یاری

می‌کنند و از آنجا که امام، ناصر و منجی مطلق می‌باشد هم در این دنیا و هم در آخرت؛ لذا شایسته است که برای در امان ماندن از شرّ اعمال ناپسند خود، و نیز شرّ افراد ستمگر، حسود، پلید و یا پیروزی در امتحانات سخت، و همچنین برای دستیابی به مقامات و درجات بلند عرفانی مانند رضای الهی، و رستگار شدن، از ایشان استعانت بگیریم.

۲- یاد آوران خداوند:

از خصائص منتظران آن است که یاد خدا بسیار می‌کنند، و اگر کسی خدا را یاد کند به او یاری رسانده و اگر فراموشش کرد به یادش می‌آورند و آنان کسانی‌اند که هرگاه دیده شوند، دیگران با دیدنشان به یاد خدا می‌افتند و یا از خدا یاد می‌شود.

۳- یاد محبوب:

منتظران دائماً به یاد حضرت محبوب هستند و یاد محبوبشان برایشان نسبت به دیگران غلبه دارد و با زیاد یاد کردن او، مورد لطف حضرتش قرار می‌گیرند و هر چیزی حدی دارد جز یاد محبوب؛ و کسی به چیزی علاقه دارد ذکرش را از یاد به زبان هم جاری می‌سازد یعنی لابه‌لای حرف‌هایش به اشاره یا آشکار دربارهٔ محبوبش صحبت می‌کند و باید در ذکر او محو شده و خود را آزاد کرد. البته اگر یاد کردنمان بی کیفیت باشد، اثرات ضعیفی را در پی دارد و نیز هم‌نشینی با اغیار نابخرد باعث بر هم

زدن فکر و ذکر آدمی می شود پس می بایست یاد کردنمان با کیفیت بالا باشد تا یاد او غذای روحمان گردد و این عمل را استمرار دهیم.

۴- یاد حق:

منتظران به علت آنکه خدا دوست می باشند او را بسیار در نهان و آشکار یاد می کنند و همین عمل باعث می شود که خدا هم آنان را دوست داشته و بسیار یادشان کند و این یادآوری ها موجب برائت از دوزخ و برائت از نفاق می گردد و اگر کسی شیرینی یاد خدا در دلش را بچشد ملازم درگاه او گشته و از اغیار غافل می شود و هر که اشتغالش به خدا چیره گردد خدا هم خواسته و لذتش را در یاد او قرار می دهد و اگر این گونه شد عاشق حق تعالی می شود و خدا هم عاشق او می گردد و آن وقت حجابها کنار رفته، تا آنکه چون مردم غافل شدند او غافل نشود. اما قبل از یاد حق تعالی، به شناخت او نیاز می باشد و بعد از یاد خداوند، شخص خدا را قصد می کند و آنگاه به جستجویش رفته و او را می یابد و آن را نگه داشته و در این حالت است که هیچ کس را به غیر از خدا برنخواهد گزید. و یاد کلید انس گرفتن، قوت جانها و هم نشینی با محبوب است و ما محتاجیم که در زمان غفلت، او ما را به یاد خود هشیار سازد و نیز راههای آسانی به سوی دوستی اش را برایمان بگشاید.

ه- یاری دادخواهان:

از دیگر صفت‌های مورد رضایت حق تعالی که در منتظران است، یاری دادخواهان می‌باشد. یاری کردن برادران مسلمان، در شرایطی که توانایی یاری دادن را داشته باشیم باعث می‌شود خداوند هم در دنیا و هم در آخرت ما را یاری کند.

ولی اگر کسی توانایی یاری کردن برادرش را داشت ولی از آن سرباز زد و او را تنها گذاشت و کمک نکرد، خدا هم او را در دنیا و آخرت تنها خواهد گذاشت. البته اگر برادرش ستمکار بود و طلب یاری و کمک می‌خواست باید او را از آن کار باز داشت و اگر ستمدیده است او را یاری نماید.

کتاب‌هایی که از مؤلف در ارتباط با امام زمان (ع) به چاپ

رسیده است:

۱- ارتباط با امام زمان (ع) (کتاب دعا)

۲- ارتباط با امام قائم (عج)

۳- وظایف شیعیان در زمان غیبت کبری (در ۴ مجلد)

۴- محبت امام زمان (ع) (در ۳ مجلد)

۵- امام زمان (ع) کیست؟

۶- صفات منتظران